

فهرست مطالب

1	1- مقدمه.....
2	2 - جامعه بلوچ در ایران.....
3	3 - 1 - تبعیض اقتصادی و فرهنگی.....
14	3 - مخالفت مسلحانه: جندالله.....
15	3 - 1 - حملات جندالله.....
18	4 - نقض حقوق بشر علیه بلوچها.....
19	4 - 1 - پاسخ نظامی.....
21	4 - 2 - پاسخ قضایی.....
23	4 - 3 - کشتن و دستگیری به وسیله نیروهای امنیتی.....
27	4 - 4 - مجازات مرگ.....
30	4 - 5 - شکنجه و محاکمات ناعادلانه.....
36	5 - توصیهها.....

ایران: تعدیات حقوق بشری علیه اقلیت بلوچ

1 - مقدمه

سرکوب دولتی اقلیت‌های قومی ایران، که خواهان شناسایی حقوق سیاسی و فرهنگی بیشتر خود بوده‌اند، در سال‌های اخیر تشدید شده است. با استقرار نیروهای نظامی خارجی بالقوه متخاصم در کشورهای همسایه ایران در شرق و غرب، مقامات کشور نسبت به جوامع اقلیت، که بسیاری از آنان همانند آذربایجانی‌ها، کردها، عرب‌ها و بلوچ‌ها در مناطق مرزی متمرکز شده‌اند، حساسیت بیشتری پیدا کرده‌اند. در برخی از این مناطق، گروه‌های مسلحی فعالند که بعضاً مرتکب تعدیات حقوق بشری می‌شوند.

به طور خاص، یک گروه مسلح بلوچ به نام جنداالله که به جنبش مقاومت مردم ایران نیز معروف است، از سال 2005 به چندین حمله و از جمله حملات مسلحانه (گاه مرگبار) علیه مسئولان و اعضای نیروهای امنیتی، گروگان‌گیری و کشتن گروگان‌ها دست زده است. حملات دیگری علیه افراد غیر نظامی از سوی مقامات به جنداالله نسبت داده شده، ولی جنداالله مسئولیت آن‌ها را تکذیب کرده است. در پاسخ، نیروهای امنیتی ایران به دستگیری افراد مظنون به ستیزه‌گری پرداخته‌اند و با کاربرد شکنجه از آنان «اعتراف» گرفته‌اند، که برخی از این اعترافات در تلویزیون نشان داده شده است، و به قتل‌های غیر قانونی دست زده‌اند. رویه‌های قضایی جدیدی اتخاذ شده که حق برخورداری از یک محاکمه عادلانه را بیشتر تضعیف کرده است، و کاربرد مجازات اعدام، با افزایش شدید تعداد اعدام‌های بلوچ‌ها، شدت یافته است.

عفو بین‌الملل حملات گروه‌های مسلح که عامداً افراد غیر نظامی را هدف قرار می‌دهند، و همچنین گروگان‌گیری، حملات بی‌ملاحظه و سایر خشونت‌ها را در هر شرایطی محکوم می‌کند. این سازمان خواهان آن است که عدالت در باره کسانی که مرتکب این تعدیات می‌شوند از طریق محاکمه‌های عادلانه و بدون کاربرد مجازات اعدام، اجرا شود.

عفو بین‌الملل همچنین از حکومت‌ها می‌خواهد که تجاوز به حقوق بشر را با تجاوزهای بیشتر پاسخ ندهند. حکومت‌ها وظیفه دارند که برای تأمین ایمنی مردم و حفظ آنان از حملات خشونت‌بار اقداماتی را انجام دهند، ولی آنان باید به تعهدات خود تحت قوانین بین‌المللی پایبند باشند و روش‌هایی را به کار نگیرند که حقوق بشر را پایمال کند.

در زمانی که توجه جهانی در مورد ایران بر برنامه هسته‌ای آن متمرکز شده، تحریم‌هایی برقرار شده و امکان دخالت نظامی مطرح است، خطر آن وجود دارد که مسایل عمده حقوق بشری از دستور کار جهانی به کنار رود. عفو بین‌الملل به عنوان یک سازمان مستقل حقوق بشری معمولاً در مورد اعمال تحریم یا اقدام نظامی موضعی اتخاذ نمی‌کند، ولی نگران آن است که در شرایط تشدید تنش بین‌المللی، مانند آن چه که اکنون در رابطه با ایران پیش آمده است، هم خطر نقض حقوق بشر افزایش یابد و هم موقعی که عفو بین‌الملل و سایر سازمان‌ها این موارد نقض را مطرح می‌کنند این امر برای پیش‌برد هدف‌هایی که با حفظ و ترویج حقوق بشر هیچ رابطه‌ای ندارد مورد بهره‌برداری قرار گیرد. در هر صورت، نقش عفو بین‌الملل آن است که یک مدافع بی‌طرف حقوق بشر در سراسر جهان باشد، و این سازمان به عنوان بخشی از پیکار و

تلاش‌های دیگری که برای پایان دادن به نقض حقوق بشر و دادرسی برای قربانیان آن انجام می‌دهد موارد نقض حقوق بشر را مستند و منتشر می‌کند.

این گزارش بر موارد نقض حقوق بشر ارتكابی علیه بلوچ‌ها، یکی از جوامع اقلیت قومی ایران، متمرکز شده است و به دنبال گزارش منتشره در مورد جامعه عرب اهوازی ایران در ماه مه 2006 نشر می‌یابد.¹ بسیاری از نگرانی‌ها و موارد فردی تفصیل یافته در این گزارش در نامه مفصل عفو بین‌الملل خطاب به مصطفی محمد نجار وزیر دفاع ایران در دسامبر 2006 گنجانده شده بود. پس از آن، عفو بین‌الملل موارد دیگری را در ژوئیه و اوت 2007 با مقامات ایران در میان گذاشته است. تا هنگام نوشتن این گزارش، هیچ پاسخی به هیچ یک از این نامه‌ها نرسیده است. متأسفانه مقامات ایران به ندرت به دخالت‌های عفو بین‌الملل واکنش نشان می‌دهند. از بیش از 28 سال پیش، یعنی از فاصله کوتاهی پس از انقلاب اسلامی فوریه 1979، تا کنون مقامات به این سازمان اجازه نداده‌اند که برای ارزیابی دست اول وضع حقوق بشر از ایران دیدن کند.

عفو بین‌الملل نسبت به افزایش نقض حقوق بشر علیه افراد اقلیت بلوچ شدیداً نگران است و از مقامات ایران می‌خواهد که برای پایان دادن به آن و رعایت حقوق بشر گام‌های فوری بردارند. به خصوص، مقامات باید به دستگیری‌های خودسرانه و شکنجه و بدرفتاری با زندانیان خاتمه دهند، و آن دسته از اعضای نیروهای امنیتی و مقاماتی را که مسئول شکنجه هستند محاکمه و عدالت را در باره آنها اجرا کنند و ترتیبی قطعی بدهند که کسانی که متهم به ارتكاب جرم هستند تحت محاکمه عادلانه قرار گیرند، و کاربرد مجازات اعدام را قطع کنند. آنان همچنین باید در مقررات امنیتی جاری در مناطق اقلیت بلوچ ایرانی بازنگری کنند تا اطمینان حاصل شود که این مقررات امکان نقض حقوق بشر را تسهیل نکنند، و به تبعیض علیه بلوچ‌ها در قانون و عمل خاتمه دهند. آنان به خصوص باید با انجام اقداماتی به منظور پایان دادن به قاچاق دختران و زنان، به مسئله تجاوز علیه زنان و دختران توجه خاص مبذول دارند و دسترسی دختران و زنان به آموزش را بهبود ببخشند.

عفو بین‌الملل همچنین از جندالله می‌خواهد که فوراً از رفتارهای ضد حقوق بشری، و از جمله حملات بی-ملاحظه، گروگان‌گیری و کشتن گروگان‌ها دست بکشد.

2 - جامعه بلوچ در ایران

اعتقاد بر این است که جامعه بلوچ ایران یک تا سه در صد جمعیت تقریباً 70 میلیونی ایران² را در بر می‌گیرد. بیشتر بلوچ‌ها در استان سیستان و بلوچستان زندگی می‌کنند، و تعداد کمتری از آنان در استان

¹ Iran: Defending Minority Rights – The Ahwazi Arabs (AI Index: MDE 13/056/2006).

² ایران آمار رسمی در مورد ترکیب دموگرافیک جمعیت کشور را ارائه نمی‌دهد. رییس مرکز آمار ایران در نوامبر 2006 گفت که تخمین‌های اولیه از ششمین سرشماری سرتاسری کل جمعیت را 70,049,262 نفر نشان می‌دهد. سایت اینترنتی ایران، 26 نوامبر 2006. تصور بر این است که نیمی از این تعداد متعلق به اکثریت فارس باشد.

کرمان. ولی، بلوچ‌ها در جستجوی کار به سایر نقاط ایران و به خصوص تهران مهاجرت کرده‌اند. بسیاری از آنان با جوامع بلوچ در کشورهای همسایه پاکستان و افغانستان پیوندهای محکم قبیله‌ای و خانوادگی دارند، و اعتقاد بر این است که صدها هزار نفر از آنان در جستجوی کار به کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس مهاجرت کرده‌اند. زبان اول بلوچ‌های ایران عمدتاً بلوچی است و اقلیتی از آنان براهویی صحبت می‌کنند. بیشتر آنان مسلمان سنی هستند، گرچه اکثریت ایرانیان (تقریباً 90 درصد) شیعه‌اند. گفته می‌شود که تقریباً 20 هزار نفر از ساکنان 1/7 میلیونی استان سیستان و بلوچستان چادرنشین‌اند.³

1-2. تبعیض اقتصادی و فرهنگی

سیستان و بلوچستان یکی از فقیرترین و محروم‌ترین استان‌های ایران است. در سال‌های اخیر، خشکسالی شدید و شرایط سخت جوی این استان را در بر گرفته و بر منابع این استان فشار بیشتری وارد کرده است. شاخص‌های طول عمر قابل انتظار، سواد بزرگسالان، ثبت نام در مدارس ابتدایی، دسترسی به آب و بهداشت مناسب، و مرگ و میر کودکان و نوزادان در این استان از همه نقاط دیگر ایران بدتر است.⁴

زنان و دختران

زنان و دختران بلوچ برای دسترسی به آموزش و مراقبت بهداشتی با مشکلات خاصی روبرو هستند. ازدواج زودهنگام دختران، غالباً از سن 12 سالگی، رواج دارد. در سال 2002، حد اقل سن ازدواج داوطلبانه دختران از 9 به 13 افزایش یافت، ولی والدین هنوز می‌توانند برای ازدواج دختران زیر 13 سال از دادگاه تأییدیه بگیرند. کمیته حقوق کودک سازمان ملل، در بررسی دومین گزارش دوره‌ای که از سوی ایران در سال 2005 ارائه شد، «افزایش سن ازدواج برای دختران از 9 به 13 (در حالی که این سن برای پسران هم‌چنان 15 است)» را مورد توجه قرار داد و «در مورد سنین حد اقل بسیار پایین و روال ازدواج اجباری، زودهنگام و ازدواج موقت مرتبط با آن اظهار نگرانی شدید کرد».⁵ کمیته سپس به ایران توصیه کرد که «اقدامات لازم را برای جلوگیری و مبارزه با ازدواج‌های اجباری، زودهنگام و موقت انجام دهد».⁶

گرچه آموزش مقدماتی از سن 6 تا 11 رایگان و اجباری است، نرخ ثبت نام کودکان در مدارس در این استان 71/5 درصد برای دختران و 81/8 درصد برای پسران، و بسیار پایین‌تر از میانگین ملی است.⁷ دلایل اصلی که خانواده‌ها دختران را در خانه نگه می‌دارند از جمله عبارتند از: فاصله زیاد بین مدرسه‌ها و جوامع دورافتاده بلوچ، فقدان آموزگاران زن، سطح نسبتاً بالای فقر که باعث می‌شود کودکان را برای کار بیرون از مدرسه نگهدارند، و برخوردهای فرهنگی که ارزش کمتری برای آموزش دختران در مقایسه با پسران قائل است. برای نمونه، یونیسف می‌گوید:

³ www.unodc.org/pdf/iran/drug_crime_situation/dsr/Supply_Reduction_trends_and_trafficking.pdf.

⁴ UN Common Country Assessment for Iran, <http://www.undp.org.ir/reports/npd/CCA.pdf>.

⁵ UN Doc. CRC/C/15/Add.254, para 22

⁶ Ibid, para 23.

⁷ UN Common Country Assessment for Iran, op.cit. در صد و پسران 93/4 درصد است.

«معلمان کمی حاضر می‌شوند در مناطق روستایی و چادر نشین کم جمعیت تدریس کنند. این مسئله به آن معنا است که بسیاری از آموزگاران مردانی هستند که خدمت سربازی خود را می‌گذرانند - و از این رو، از دید خانواده‌ها مناسب این کار نیستند. علاوه بر این، به دلیل فقدان نه فقط ساختمان مدرسه و بلکه معلم نیز، برخی کلاس‌ها چندسطحی، مختلط و در فضای باز برگزار می‌شود.»

برخوردهای منفی نسبت به آموزش دختران در این مناطق همچنان وجود دارد. برخی از خانواده‌ها همچنان معتقدند که بهتر است دختران به کارهای خانه و مراقبت از بچه بپردازند. در عین این که اینان ممکن است اجازه دهند دخترانشان به مدرسه ابتدایی نزدیک بروند، مایل نیستند اجازه دهند آنان برای رفتن به دبیرستان راه درازی را طی کنند.⁸

مقامات ایران، تحت برنامه‌های توسعه خود برای بهبود دسترسی دختران به مدرسه در نواحی محروم مانند سیستان - بلوچستان با سازمان‌هایی مانند یونیسف همکاری کرده‌اند و نتایج بسیار مثبتی به دست آورده‌اند. به گزارش یونیسف:

«ده‌ها نفر کمک آموزگار زن از درون جامعه استخدام شده و برای آموزش موضوعاتی مانند بهداشت، ریاضیات و علوم مقدماتی، خواندن و نوشتن، آموزش مهارت‌های زندگی، کارهای مقدماتی مدرسه و داستان‌گویی، آموزش دیده‌اند. همچنین آموزگاران برای تسهیل آموزش همشاگردان، کلاس‌های چندسطحی و آموزش مبتنی بر فعالیت، دوره دیده‌اند. برای تشویق مشارکت جامعه، کلاس‌های هفتگی پس از مدرسه در دهات برگزار می‌شود و در آن‌ها دخترانی که در نظام آموزشی ثبت نام کرده‌اند فعالیت‌ها را زیر نظر دارند. نتیجه بسیار شگفت‌انگیز بوده است: در ظرف یک سال، ثبت نام دختران در مدارس ابتدایی تقریباً سه برابر افزایش یافت.»

مهری مالکی مشکینی، یک آموزگار جوان که چادر سیاه سنتی به سر دارد، می‌گوید: «اکنون که آموزگاران زن بیشتری به کار پرداخته‌اند، وضع دختران بسیار بهتر شده است. ما در کلاس خود سعی می‌کنیم مسائلی مهمی مانند ازدواج زودهنگام را مورد گفتگو قرار دهیم تا دختران بیشتر از اوضاع آگاه شوند. ولی این مسئله مشکلی است، چون مردان خانواده تصمیم‌گیرنده همه چیزند.»⁹

گزارشگر ویژه سازمان ملل در مورد خشونت علیه زنان که در ژانویه - فوریه 2005 از ایران دیدن کرده است در گزارش ژانویه 2006 خود گفته است که زنان جوامع اقلیت اشکال چندگانه تبعیض را متحمل می‌شوند، ولی اضافه کرده که دولت این را نپذیرفته است. او مسئله قاچاق دختران و زنان را برجسته کرده و گفته است که «گفته می‌شود که بیشتر این قاچاق‌ها در استان‌های شرقی و عمدتاً در شهرهای مرزی همجوار پاکستان و افغانستان [که عمدتاً مناطق بلوچ‌نشین هستند] روی می‌دهد، جایی که زنان ربوده، خریده یا به صیغه داده می‌شوند تا آن‌ها را برای بردگی جنسی در کشورهای دیگر بفروشند.»

⁸ http://www.unicef.org/iran/media_2296.html

⁹ http://www.unicef.org/iran/reallives_2546.html

مقامات ایران برای برخورد به مسئله قاچاق دختران و زنان اقداماتی انجام داده‌اند. در اوت 2004، قانون مبارزه با قاچاق انسان به تصویب رسید که مشخصاً قاچاق انسان را در ایران جرم می‌شناسد. در برخی از موارد، افراد دخیل در قاچاق، از جمله تعدادی که در استان سیستان و بلوچستان فعال بوده‌اند، محاکمه و مجرم شناخته شده‌اند.¹⁰

گزارشگر ویژه سازمان ملل در توصیه‌های خود از حکومت خواست که «برنامه‌های ویژه‌ای برای زنان گروه‌های اقلیت که از اشکال چندگانه تبعیض رنج می‌برند تهیه کند» و «مقاومانه‌ها مربوط به پیشگیری، توقف و مجازات قاچاق انسان و به خصوص زنان و کودکان را که مکمل میثاق سازمان ملل علیه جرایم سازمان‌یافته فرآکسوری است تصویب کند و از زنان قربانی قاچاق حفاظت کند، قاچاقچیان را به پاسخگویی بکشاند و خسارت‌های وارده به قربانیان را جبران کند».¹¹

توفان‌های شدید در این استان در ژوئن 2007 به سیل و خرابی وسیع خانه‌ها و اموال منجر شد، و بنا به گزارش‌ها دست کم 23 نفر کشته شدند¹² و هزاران نفر دیگر به دلیل فقدان آب نوشیدنی سالم و مسکن مناسب در معرض بیماری‌ها قرار گرفتند. برخی از بلوچ‌ها شکایت داشتند که مقامات کمک‌های فوری به آسیب‌دیدگان نرساندند و تا موقعی که یک رهبر سنی محلی در خطبه نماز جمعه از مقامات انتقاد نکرد سپاه پاسداران انقلاب کمک کافی به مردم عرضه نکرده بود.¹³ از یک رهبر سنی دیگر، مولوی عیسی امیری، امام جمعه شهر چابهار این سخنان نقل شده است:

«استاندار محترم می‌گویند هیچ اتفاقی نیفتاده است در صورتی که حادثه و بحران به وقوع پیوسته است و مساله ای انسانی شکل قومی به خود گرفته است. کشته شدن 25 (کذا) نفر و 80 درصد تلفات دومی و 95 درصد از بین رفتن مزارع مردم آیا چیزی نیست؟ چگونه است که نه سیمای سراسری و نه حتی شبکه استانی هیچ‌گونه پوشش خبری مناسبی را در رابطه با این فاجعه ندادند اگر هلیکوپتر شما نمی‌توانست در آن هوا پرواز کند چرا بنزین در اختیار قایق‌های شخصی نگذاشتید تا مردم خودشان به فریاد سیل زدگان برسند»¹⁴

قانون اساسی ایران و چندین پیمان حقوق بشر بین‌المللی که ایران امضا کرده است -- از جمله، میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، میثاق حقوق کودک، میثاق بین‌المللی امحای همه اشکال تبعیض نژادی -- همه به وضوح تبعیض بر اساس قومیت را منع کرده‌اند. علی‌رغم این، بلوچ‌ها می‌گویند که از سوی مقامات ایران، هم در نظام سلطنتی پهلوی که با سقوط شاه به پایان رسید و هم در تمامی دوره‌ای که از انقلاب اسلامی سال 1979 شروع شده است، تحت تبعیض سیستماتیک قرار گرفته‌اند.¹⁵

¹⁰ دادگاهی در ایران اعضای یک باند جنایتکار جنسی را به 281 سال زندان محکوم کرد، ایرنا 6 مه 2003

¹¹ E/CN.4/2006/61/Add.3. 27 January 2006

¹² Reuters 10 June 2007

¹³ www.sunnionline.net.

¹⁴ http://zamanonline.blogfa.com, post dated 17 June 2007

¹⁵ اصل 3 قانون اساسی مقرر می‌دارد که همه ایرانیان درمقابل قانون برابرند و اصل 19 قانون اساسی مشخص می‌کند که: «مردم ایران از هر قوم و قبیله که باشند از حقوق مساوی برخوردارند و رنگ، نژاد، زبان و مانند این‌ها سبب امتیاز نخواهد بود».

يك رویه که به تبعیض علیه بلوچ‌ها و سایر گروه‌های اقلیت منجر شده گزینش است -- يك روند گزینش ایدئولوژیک که بر اساس آن مأموران و کارمندان دولتی باید، در بین چیزهای دیگر، التزام خود به اسلام و جمهوری اسلامی و از جمله ولایت فقیه را که مبنای سیاسی جمهوری اسلامی ایران است نشان دهند. در قانون و عمل، این روند - بر مبنای عقاید سیاسی، وابستگی سیاسی گذشته یا حمایت یا وابستگی مذهبی - به برابری فرصت‌ها یا نحوه برخورد به استخدام یا اشتغال همه کسانی که در بخش دولتی یا نیمه دولتی (مانند بنیادها)، و به قرار اطلاع در مواردی در بخش خصوصی، تقاضای کار می‌کنند لطمه می‌زند. دسترسی به آموزش عالی نیز ممکن است مشمول روند گزینش شود.¹⁶ بر اساس مقررات گزینش، ایرانیان غیر شیعه از احراز برخی از مقامات دولتی مانند ریاست جمهوری محروم هستند. مولوی علی اکبر ملازاده، يك روحانی بلوچ، در سال 1997 اثر گزینش بر بلوچ‌ها را در نقاطی مانند استان سیستان و بلوچستان که در آن بلوچ‌ها اکثریت دارند تشریح کرده است:

«يك بلوچ اگر بخواهد مغازه‌ای باز کند، باید اول به سراغ حکومت برود و پاسداران و سرویس‌های امنیتی عقاید سیاسی او را کاملاً بررسی کنند. آن‌ها می‌پرسند: شما برای جمهوری اسلامی کاری کرده‌اید؟ در جنگ ایران و عراق شرکت کردید؟ به ولایت فقیه اعتقاد دارید؟ سنی‌ها ولایت فقیه را قبول ندارند - این مسله با اعتقادات ما در تضاد است و چون ما به تقیه¹⁷ که آن را دروغ‌گویی می‌دانیم اعتقاد نداریم باید راست بگوییم. نتیجه این که به سنی‌ها جواز باز کردن مغازه داده نمی‌شود، به آن‌ها کار نمی‌دهند، به دانشگاه راه نمی‌یابند - مگر این که آن‌ها قول دهند که برای نیروهای امنیتی خبرچینی کنند. از 5000 دانشجوی دانشگاه بلوچستان در زاهدان، فقط 10 تا 15 نفرشان بلوچ‌اند. حتی قانون آموزش و پرورش جمهوری اسلامی می‌گوید که 75 درصد باید بلوچ باشند - و حالا 99 درصد غیر بلوچ هستند. آن‌ها با ما همانطور رفتار می‌کنند که با نجس‌ها در هند رفتار می‌شود.»¹⁸

او همچنین از سیاست رسمی اسکان افراد وابسته به گروه‌های قومی دیگر در آن منطقه که به گفته او برای پایین آوردن نسبت بلوچ‌های محلی صورت می‌گیرد ابراز نارضایتی کرده است:

«ما گذرنامه ایرانی داریم و ملیت ما ایرانی است و ما حق خود را به عنوان يك ایرانی می‌خواهیم. ما حقوق خودمان در بلوچستان را خواهانیم... ما می‌خواهیم حق کار داشته باشیم، مردم خود ما در پلیس باشند. ما نمی‌خواهیم آن‌ها کسانی را که دشمن مردم ما هستند به عنوان پلیس از تهران بیاورند و تمام ادارات را تحت کنترل بگیرند. آن‌ها همه کارها را به آدم‌های خودشان می‌دهند. قانون اساسی می‌گوید که کسی اگر شیعه نباشد نمی‌تواند وزیر شود. اگر يك کارخانه درست می‌کنند، کارها را به بستگان و مردم خود می‌دهند. آن‌ها صدها هزار نفر را این‌جا می‌آورند تا آن‌ها را در بلوچستان و کردستان تبدیل به اکثریت بکنند. آن‌ها مستقیماً بلوچ‌ها را بیرون نمی‌کنند، ولی با این روش‌های

¹⁶ برای اطلاع بیشتر در باره روند تبعیض‌آمیز گزینش، لطفاً به مسایل طرح شده از سوی عفو بین‌الملل مربوط به کنفرانس جهانی کار سال

91 مراجعه فرمایید. AI Index: IOR 42/003/2003

¹⁷ تقیه پنهان کردن یا بروز ندادن معتقدات یا عقاید انسان در زمانی خطر قریب‌الوقوع برای نجات از صدمه یا مرگ است. تقیه عمدتاً یک رویه شیعی بر اساس آیه‌هایی از قرآن است، و مورد پذیرش مسلمانان سنی نیست.

¹⁸ The Iran Brief, No.35, 2 June 1997

تبعیض آمیز آن‌ها را بیرون می‌رانند. هم‌اکنون 200 هزار بلوچ چون نتوانسته‌اند در بلوچستان کار به دست آورند در کشورهای حاشیه خلیج کار می‌کنند».¹⁹

پس از انتخاب رییس جمهور خاتمی در سال 1997، مشارکت بلوچ‌ها در آموزش عالی ظاهراً بالا رفت و برخی از بلوچ‌ها در نهادهای دولتی کار گرفتند. ولی، پس از انتخاب رییس جمهور احمدی‌نژاد در سال 2005، گزارش رسیده که در یک تصفیه وسیع کارکنان دولت، بسیاری از بلوچ‌ها از کار برکنار شده‌اند. وقتی در مارس 2007 از حسین علی شهریاری نماینده زاهدان در مجلس در این باره سؤال شد، او آن را تکذیب کرد و گفت که در دوران رییس جمهور پیشین خاتمی فقط یک فرماندار و یک معاون استاندار و چند مدیر کل سنی وجود داشتند، در حالی که اکنون 14 مدیر سنی در این استان کار می‌کنند.²⁰

برخی از بلوچ‌ها ادعا کرده‌اند که در ایران یک سیاست رسمی برای تحلیل اقلیت‌های قومی، از طریق خلع ید آنان از سرزمین‌های آبا و اجدادی خود، عرضه مشوق‌ها به آنان برای کوچ کردن به نقاط دیگر و ترغیب گروه‌های دیگر به جایگزینی آنان، وجود دارد. منابع بلوچ در سال‌های دهه 1990 ادعا کرده‌اند که پس از شورش‌های مهمی که در فوریه 1994 در زاهدان، به دنبال خراب کردن یک مسجد سنی در مشهد به اصطلاح به دلایل مربوط به شهرسازی، اتفاق افتاد²¹ و به قرار اطلاع با تیراندازی مستقیم سپاه پاسداران درون جمعیت تظاهرکننده سرکوب شد، این سیاست تشدید شده است. برای مثال، ادعا شده که سپاه پاسداران در ماه مه 2005 در سرودر و زردکوه از توابع ایرانشهر به روستاییان حمله کرده و آنان را به بیابان رانده است.²² ادعاهای مشابهی از سوی اقلیت‌های دیگر ایران، و به طور مشخص عرب‌های اهوازی مطرح شده است.²³ کمیته حقوق بشر سازمان ملل تصریح کرده است که جابجایی اجباری درون مرزی نقض حق آزادی جابجایی و انتخاب محل سکونت بشمار می‌رود.²⁴

در سال‌های اخیر، گروه‌های اقلیت مطرح کرده‌اند که برخی از اظهارات مقامات حکومتی از یک سیاست «فارس‌سازی» حکایت می‌کند. برای مثال، آنان به اظهاراتی که از رییس مجلس غلام‌علی حداد عادل در 22 نوامبر 2006 نقل شده اشاره می‌کنند که در مورد فراخوان رییس جمهور احمدی‌نژاد برای افزایش جمعیت ایران به 120 میلیون گفته است:

«رییس جمهور معتقد است که تنظیم خانواده نباید در سراسر کشور یکی باشد. نظرات رییس جمهور در این باره باید مورد توجه قرار گیرد... ما باید ببینیم زیر این گفته رییس جمهور چه فکری نهفته است. ما باید به این نتیجه برسیم که تعادل منطقه‌ای در تنظیم خانواده باید مورد توجه قرار گیرد.»²⁵

¹⁹ همانجا

²⁰ مصاحبه با عیاران، 17 مارس 2007

²¹ Iran's Peeling Veneer by Chris Kustschera, The Middle East, September 1994

²² Human Rights Watch, Iran: Religious and ethnic minorities – discrimination in law and practice. http://www.hrw.org/reports/1997/iran/Iran-06.htm#P397_84566

²³ See Iran: Appeal Case -- The Ahwazi Arabs: Land Confiscation and Population Transfer (AI Index: MDE 13/060/2006).

²⁴ (Article 12, ICCPR), CCPR General Comment 27, para 7.

²⁵ Reportedly made to IRNA on 22 November 2006

در ماه مه 2007، وزیر کشور به هنگام گفتگو در باره مسایل امنیتی گفت که «منطقه پیرسوران که ناحیه مخصوص قاچاقچیان و تروریست‌ها بود اکنون پاکسازی شده و 700 هکتار از منطقه تاسوکی به زمین‌های زراعی تبدیل شده است.»²⁶

در موارد دیگر، بنا به گزارش، خانه‌های بلوچ‌ها، به خصوص در شهر بندری چابهار تخریب شده است. گزارش شده است که در 30 ژوئن 2005، در چابهار تعداد نامشخصی از بلوچ‌ها به اجبار از خانه‌هایشان بیرون رانده شده‌اند و نیروهای امنیتی با تخریب کلبه‌ها آنان را بی‌خانمان کردند. وزارت مسکن و شهرسازی ظاهراً زمین این خانه‌ها را برای ساختن مسکن در اختیار نیروهای امنیتی گذاشته است.²⁷ در جریان درگیری‌هایی که با نیروهای مجری تخلیه اجباری و خراب کردن خانه‌ها صورت گرفته است، بنا به گزارش، چندین نفر از کسانی که به تخریب خانه‌هایشان اعتراض کرده بودند مجروح شده‌اند. به کسانی که به اجبار از خانه بیرون رانده شده‌اند ظاهراً مسکن بدیلی عرضه نشده است. از سرنوشت بعدی آنان خبری نیست. یکی از زنان اخراج شده، ماهگانی باهوک گفته است که او و کودکانش همه چیز را از دست داده‌اند و بدون سرپناه رها شده‌اند.²⁸

از آن جایی که به عفو بین‌الملل اجازه دسترسی به ایران داده نشده است، این سازمان نمی‌تواند گزارش‌های مربوط به تبعیض و سایر موارد نقض حقوق بشر را به صورت دست اول تحقیق کند؛ ولی به این نکته توجه دارد که اطلاعات منابعی مانند نهادهای حقوق بشری سازمان ملل عموماً با اطلاعاتی که عفو بین‌الملل دریافت می‌کند و به آن می‌رسد همخوان است.

برای مثال، گزارشگر ویژه سازمان ملل در مورد حق مسکن مناسب، که در ماه‌های ژوئیه و اوت 2005 از ایران دیدن کرده در گزارش مارس 2006 خود نسبت به «ادامه تبعیضی که اقلیت‌های قومی و مذهبی و عشایر با آن روبرو هستند و در شرایط زندگی و مسکن بسیار بد آنان منعکس است؛ طرح موارد بسیار مصادره زمین و تخلیه به زور؛ تبعیض علیه زنان در خصوص حقوق مسکن، زمین، ارث و اموال؛ و کمیت و کیفیت نازل و محدود خدمات اولیه که به آبادی‌های غیر رسمی و مناطق فقیرنشین» (که غالباً از مهاجران روستایی تشکیل شده و بسیاری از آنان از اقلیت‌های قومی هستند) عرضه می‌شود، اظهار نگرانی کرده است.²⁹

گزارشگر ویژه از طبیعت آشکارا تبعیض‌آمیز یا اثر تخلیه به زور از آبادی‌های غیر رسمی، و مصادره زمین‌های روستایی برای مزارع بزرگ کشاورزی یا کارخانه‌های پتروشیمی، یاد می‌کند و می‌نویسد:

²⁶ Iranian Provincial TV 19 May 2007

²⁷ استمداد سرگشاده به دبیر کل سازمان ملل، رییس جمهور بوش، رییس کمیسیون اتحادیه اروپا، دیده‌بان حقوق بشر و عفو بین‌الملل از سوی جنبش ملی بلوچستان - ایران (بلوچستان راجی زرمیش) به تاریخ 3 ژوئیه 2005 به نقل از گزارشی از ایرنا که می‌توان در سایت <http://www.zrombesh.org> دید. مقاله ایرنا به قرار اطلاع در سایت زیر آمده است. <http://www.irna.ir/fa/news/view/menu-149/8404090210105404.htm>

²⁸ همانجا

²⁹ گزارش گزارشگر ویژه سازمان ملل در مورد حق مسکن مناسب به عنوان بخشی از حق برخورداری از يك سطح زندگی کافی: مأموریت در جمهوری اسلامی در ایران، 12 مارس 2006، خلاصه: E/CN.4/2006/41/Add.2

«در برخی از نقاط، به نظر می‌رسد که این مصادره‌ها به طور نامتناسبی املاک و زمین‌ها [و از جمله] منازل... اقلیت‌های مذهبی و قومی را نشانه گرفته است. پیش از تصمیم‌گیری مقامات مربوطه برای تخلیه یک منطقه هیچ روند مشارکتی یا مشورتی صورت نگرفته است. گرفتن این زمین‌ها، به خصوص از آن‌جا که مبلغ پرداختی در برابر زمین بسیار کمتر از ارزش آن در بازار است، از دید مردمی که صدمه دیده‌اند نوعی مصادره تلقی می‌شود.»³⁰

گزارشگر ویژه این نکته را یادآور می‌شود که در حالی که ارائه خدمات اولیه، از جمله در مناطق روستایی، در بیشتر موارد مناسب به نظر می‌رسد، او از «این واقعیت تکان خورده است که... استثنایا به صورت نامتناسبی مناطق و استان‌های عمدتاً اقلیت نشین را در بر می‌گیرد که به وضوح عملی تبعیض‌آمیز است.»³¹ او در نظرات پایانی و توصیه‌های خود به ویژه چند توصیه در رابطه با اقلیت‌ها را مطرح کرده است. او نوشته است که مقامات ایران باید به تخلیه به زور پایان دهند، و باید برای استان‌هایی که از نظر تاریخی نادیده گرفته شده‌اند، از جمله سیستان و بلوچستان، منابع مالی اختصاص دهند تا به تحقق حقوق بشر در این نواحی، از جمله تأمین خدمات شهری مانند مسکن کافی، دسترسی به آب و برق و زیرساخت‌های اولیه برای مردم و جوامع این مناطق مدد رسانند.³²

گرچه تعدادی سازمان و مرکز فرهنگی بلوچی وجود دارد که بیشتر آنان در زمان ریاست جمهوری حجت الاسلام محمد خاتمی تأسیس شده است، بنا به گزارش‌ها، بهره‌گیری از حقوق فرهنگی برای آنها ساده نبوده است. برای مثال، عفو بین‌الملل از جمله از وجود سازمان‌هایی مانند انجمن جوانان صدای عدالت در زاهدان، مؤسسه آهنگ بلوچ در ایرانشهر، انجمن جوانان آینده‌سازان کویر در گشت سراوان، مدرسه فرزاتگان مکران زمین در سراوان، و انجمن جوانان نخل سبز در نیک‌شهر آگاه است. ولی، عفو بین‌الملل همچنین گزارش‌هایی دریافت کرده است حاکی از این که سازمان‌هایی از این قبیل در دریافت مجوز برای برگزاری مراسم فرهنگی بلوچی دچار مشکل شده‌اند. برای مثال، در ژوئن 2005، انجمن جوانان صدای عدالت تنها پس از مشکلاتی توانست برای برگزاری اولین کنسرت موسیقی بلوچی در استان مجوز بگیرد. یک گروه دیگر تلاش کرد که کنسرت مشابهی در سال 2006 برگزار کند، ولی مقامات مجوز ندادند. اولین کنسرت موسیقی دانشگاهی در دانشگاه زاهدان، فقط پس از این که دانشجویان بلوچ سازمان‌دهنده آن مقامات دانشگاه را برای اجرای آن متقاعد کردند، در ماه مه 2006 برگزار شد.

افراد اقلیت بلوچ همچنین، بهرغم الزام قوانین بین‌المللی مبنی بر این که افراد وابسته به اقلیت‌ها مجاز باشند در عرصه‌های خصوصی و عمومی آزادانه و بدون دخالت یا هر نوع تبعیض از زبان خود استفاده کنند، در

³⁰ همانجا، بند 43

³¹ همانجا، بند 51

³² همانجا، بندهای 105 - 103

<http://www.universalhumanrightsindex.org/documents/834/779/document/en/text.html>

اعمال حق خود برای کاربرد زبان خویش با مشکلاتی روبرو هستند. حکومت‌ها از این که افراد را از حق استفاده از زبان خود محروم کنند منع شده‌اند.³³

اصل 15 قانون اساسی می‌گوید:

«زبان و خط رسمی و مشترك مردم ایران فارسی است. اسناد و مکاتبات و متون رسمی و کتب درسی باید با این زبان و خط باشد، ولی استفاده از زبان‌های محلی و قومی در مطبوعات و رسانه‌های گروهی و تدریس ادبیات آن‌ها در مدارس در کنار زبان فارسی آزاد است.»

آموزش در تمام مدارس دولتی در مناطق بلوچ، که در سطح دبستان و راهنمایی (بین سنین 6 و 13) رایگان و اجباری است، فقط به زبان فارسی انجام می‌شود. گرچه از سال 1988 به مدارس خصوصی اجازه کار داده شده است، هیچ یک از آن‌ها تا آن جا که معلوم است به بلوچی تدریس نمی‌کنند. وزارت آموزش و پرورش مسئول تعیین مواد درسی و تولید کتاب‌های درسی است. اعتقاد بر این است که در سطح تحصیلات اجباری، بر مبنای قانون اساسی این کتاب‌ها فقط به زبان فارسی عرضه می‌شود.

اولین باری که به نشریات بلوچی اجازه انتشار داده شد پس از انقلاب اسلامی 1979 بود. ولی یکسال بعد، دولت سه نشریه بلوچی را که آغاز به کار کرده بودند، مهتک، گراند و روشنی³⁴ تعطیل کرد. در سال‌های دهه 1990 نشریات بلوچی دوباره به راه افتادند و دست کم دو نشریه دوزبانه فارسی-بلوچی وجود دارند، یکی در زاهدان و دیگری در ایرانشهر.³⁵ علاوه بر این، به قرار اطلاع، مرز پرگهر دوزبانه در تهران منتشر می‌شود، گرچه بنا به گزارش، از آغاز انتشار در دوره‌های مختلف به حال تعلیق درآمده است. در سال 2004، دانشجویان بلوچ در دانشگاه زاهدان پروانه نشر یک روزنامه دوزبانه به نام استون را گرفتند که اولین شماره آن در اکتبر 2004 منتشر شد.³⁶ گفته می‌شود که در چابهار یک کتابفروشی بلوچی وجود دارد که نشریات بلوچی را که عمدتاً از پاکستان وارد می‌شود، عرضه می‌کند. همچنین گزارش شده که برنامه‌های محدودی به زبان بلوچی از رادیو دولتی پخش می‌شود، ولی هیچ برنامه‌ای به زبان بلوچی از تلویزیون دولتی محلی که ظاهراً فقط یک گوینده بلوچ دارد پخش نمی‌شود.

افرادی از اقلیت بلوچ به کارهای مجرمانه، و مشخصاً قاچاق مواد مخدر از افغانستان و پاکستان، به عنوان راهی به سوی غرب و برای عرضه به جمعیت به سرعت رو به افزایش معتادان ایران، می‌پردازند.³⁷ بیشتر این قاچاق به وسیله باندهای سازمان یافته صورت می‌گیرد، ولی بنا به گزارش‌ها تعداد افرادی که به

³³ Article 27, International Covenant on Civil and Political Rights; Article 30, Convention on the Rights of the Child.; Article 2.1, Declaration on the Rights of Persons Belonging to National or Ethnic, Religious and Linguistic Minorities, adopted by UN General Assembly resolution 47/135 of 18 December 1992.

³⁴ Human Rights Watch op.cit www.hrw.org/reports/1997/iran/Iran-06.htm#P501_108586

³⁵ State Control and its Impact on Language in Balochistan, by Carina Jahani, <http://www.lingfil.uu.se/personal/carinajahani/jahani-red.pdf>

³⁶ نگاه کنید به www.estoon.tk

³⁷ اعتقاد بر این است که ایران دو میلیون تا 3/5 میلیون مصرف‌کننده منظم مواد مخدر دارد. بنا به گفته معاون وزیر بهداشت، اعتیاد در حدود هشت درصد در سال افزایش پیدا می‌کند. خبرگزاری فرانسه، 27 ژوئن 2006

قاچاق اندازه‌های کم از مرز مشغولند رو به افزایش است.³⁸ فعالان بلوچ ادعا می‌کنند که محرومیت اقتصادی بدیل‌های چندانی در برابر قاچاق برای جامعه آنان باقی نگذاشته است.³⁹ مقامات ایران در تلاش برای مهار فعالیت قاچاقچیان با جامعه جهانی همکاری می‌کنند. از جمله این پروژه‌ها، یکی ساختن دیواری به ارتفاع 3 متر و ضخامت 90 سانت و طول 700 کیلومتر در مرز شرقی ایران با افغانستان و پاکستان در فاصله تفتان و مند است. بلوچ‌ها از جمله در پاکستان از این پروژه انتقاد کرده‌اند و می‌گویند که این عمل کار بلوچ‌ها را در حفظ ارتباط‌های خانوادگی و انجام فعالیت‌های اقتصادی قانونی در دو سوی مرز را مشکل‌تر می‌کند. مقامات به شکاف‌هایی در دیوار اشاره می‌کنند که «حق ارتقایی» را حفظ خواهد کرد. همچنین اعتقاد بر این است که در طول مرز شرقی مین‌های زمینی وجود دارد و در فوریه 2006 وزارت خارجه اعلام کرد، «به دلیل مرزهای توسعه‌پذیر [کذا] ما و مشکلات ناشی از قاچاق مواد مخدر و تروریستی، نهادهای دفاعی ما استفاده از مین زمینی را به عنوان یک وسیله دفاعی مورد بررسی قرار داده‌اند.»⁴⁰

بسیاری از بلوچ‌هایی که به وسیله مقامات دستگیر شده‌اند به قاچاق مواد مخدر یا راهزنی مسلحانه متهم شده‌اند، که هر دو می‌تواند مجازات مرگ در پی داشته باشد. دانستن واقعیت در مورد تگ تگ موارد مشکل است، ولی فعالان بلوچ می‌گویند که دست کم در برخی از موارد به تلافی حملاتی که علیه اهداف حکومتی صورت گرفته است، در اقدامی علیه کلیت جامعه، افراد بی‌گناهی به چنین جرم‌هایی متهم شده‌اند. از بیش از 50 اعدامی در سال 2006 که ممکن است بلوچی‌ها را در بر گرفته باشد، گفته شده که دست کم 19 نفر آن‌ها مجرم یا قاچاقچیان مواد مخدر بوده‌اند. بقیه آن‌ها به جنایاتی مانند سرقت یا راهزنی مسلحانه، قتل یا آدم‌ربایی مجرم شناخته شدند.

حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی

ایران يك کشور امضا کننده میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، میثاق حقوق کودک و میثاق بین‌المللی امحاء همه اشکال تبعیض نژادی است. این میثاق‌ها ممنوعیت فوری تبعیض علیه اقلیت‌ها در تأمین حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی -- از جمله حق کار با انتخاب آزاد، حق مسکن مناسب، حق آب و غذا، حق آموزش، حق برخورداری از بالاترین سطح بهداشت قابل دسترسی و حق مشارکت برابر در حیات فرهنگی -- و انجام اقداماتی برای امحاء این تبعیض را الزام آور کرده است. گزارش‌های مربوط به نابرابری‌های شدید بین جوامع اقلیت‌ها و گروه‌های اکثریت در ایران در سواد، دسترسی به آموزش، دسترسی به آب سالم و بهداشت، و همچنین گزارش‌های مربوط به «تصرف زمین» و تخلیه‌های اجباری -- که يك نقض فاحش حقوق بشر و از جمله نقض حق مسکن مناسب است -- که ظاهراً جوامع اقلیت را هدف قرار می‌دهد، همگی خبر از این می‌دهند که مقامات ایران در اجرای این تعهدات بین‌المللی کوتاهی می‌کنند.

³⁸ www.unodc.org/pdf/iran/drug_crime_situation/dsr/Supply_Reduction_trends_and_trafficking.pdf.

³⁹ بنا بر يك بررسی که در شیرآباد، شهر کوچکی نزدیک زاهدان صورت گرفته است، 60 – 40 در صد از ساکنان شیرآباد از طریق قاچاق کالا بین ایران و پاکستان با کمک‌های تدارکاتی به باندهای جنایتکار قاچاق مود مخدر ارتزاق می‌کنند.

www.unodc.org/pdf/iran/drug_crime_situation/dsr/Supply_Reduction_trends_and_trafficking.pdf.

⁴⁰ Landmine Monitor 2006 report on Iran: <http://www.icbl.org/lm/2006/iran.html>

ایران همچنین میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی را امضا کرده است که در ماده 26 برابری در حمایت قانونی و عدم تبعیض در اجرای حقوق بشر را تأیید کرده است. کمیته حقوق بشر که پیروی از میثاق را زیر نظر دارد مشخص کرده است که این امر همه حقوق بشر، از جمله حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، را در بر می‌گیرد. میثاق در ماده 27 همچنین می‌گوید که «در کشورهایی که اقلیت‌های قومی، مذهبی یا زبانی وجود دارد، افراد متعلق به این اقلیت‌ها را نمی‌توان از این حق محروم کرد که همراه با سایر افراد گروه خودشان از فرهنگ خاص خویش متمتع شوند، ایمان به مذهب خویش را بیان و بر اساس آن عمل کنند، یا زبان خود را به کار گیرند.»

در سال 2003، کمیته امحاء تبعیض نژادی در بند 14 ملاحظات نهایی خود را در باره گزارش‌های دوره‌ای شانزدهم و هفدهم ایران آورده است:

«کمیته، گزارش‌های مربوط به تبعیضی را که برخی از اقلیت‌ها با آن روبرو هستند ... که از حقوق خاصی محروم شده‌اند، و این که برخی از مفاد قوانین این کشور امضاکننده میثاق به نظر می‌رسد که هم از نظر قومی و هم مذهبی تبعیض‌آمیز است، با نگرانی مورد توجه قرار داد.»⁴¹

کمیته اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در نظر عمومی خود در مورد تخلیه اجباری به این نکته توجه کرد که تعهدات کشورهای امضاکننده میثاق در رابطه با تخلیه اجباری بر ماده 1-11 استوار است که حق «هر فردی به یک سطح زندگی مناسب برای خود و خانواده‌اش، و از جمله غذا، لباس و مسکن مناسب و بهبود مستمر شرایط زندگی» را در پیوند با سایر مواد مربوطه به رسمیت شناخته است. کمیته به خصوص به ماده 1-2 میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی اشاره می‌کند که کشورها را ملزم کرده است که «همه لوازم مناسب» را برای ترویج حق مسکن مناسب به کار بگیرند.

علاوه بر این، کمیته بر این نکته انگشت گذاشته است که اقلیت‌های قومی از گروه‌هایی هستند که از سیاست تخلیه اجباری به نحو نامتناسبی صدمه دیده‌اند. کمیته به حکومت‌ها یادآوری کرده است که «مفاد غیرتبعیض‌آمیز ماده 2-2 و 3 ... [میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی] الزام دیگری برای حکومت‌ها ایجاد می‌کند که وقتی تخلیه رخ می‌دهد، ترتیبات مناسبی اتخاذ کنند تا از عدم وجود هر شکلی از تبعیض اطمینان حاصل شود.»⁴² کمیته تأکید کرد که:

«کشورهای عضو باید ترتیبی دهند تا پیش از انجام هر تخلیه، به خصوص در مواردی که گروه‌های بزرگی را شامل می‌شود، همه بدیل‌های ممکن در مشورت با افرادی که از این امر تأثیر می‌پذیرند به منظور اجتناب از، یا دست کم به حد اقل رساندن نیاز به کاربرد زور، مورد بررسی قرار گیرد. راهکارها یا رویه‌های قانونی باید در اختیار اشخاص مشمول دستور تخلیه قرار بگیرد. کشورهای عضو باید همچنین بپذیرند که افراد مزبور برای هر گونه مایملک خود، چه شخصی و چه غیرمنقول، که مشمول حکم قرار گرفته است مستحق دریافت خسارت کافی هستند. از این نظر، بجا است که ماده 3-2 میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی را به خاطر بیابوریم که کشورهای عضو را ملزم به

⁴¹ UN document CERD/C/63/CO/6, 10 December 2003

⁴² Committee on Economic, Social and Cultural Rights, General Comment 7: Rights to Adequate Housing: Forced Eviction, 20 May 1997, para. 10.

تضمین «بیک چاره مؤثر» برای افرادی که حقوقشان نقض شده و «در صورت ارائه چنین راهکاری مقامات صالح را به اجرای آن» موظف می‌کند.⁴³

علاوه بر این، کمیته بررسی کرد که:

«... حمایت‌های رویه‌ای که در رابطه با تخلیه اجباری باید به کار گرفته شود شامل موارد زیر است: (الف) یک فرصت برای مشورت واقعی با اشخاص مشمول آن؛ (ب) اخطار کافی و به موقع پیش از تاریخ برنامه‌ریزی شده برای تخلیه به همه افراد مشمول آن؛ (ج) اطلاعات در مورد تخلیه‌های مورد نظر و در صورت موضوعیت، در مورد این که زمین یا خانه مورد تصرف برای چه مصرفی مورد نظر است، در فاصله زمانی معقولی در اختیار همه اشخاص مورد شمول قرار گیرد؛ (د) به خصوص موقعی که گروهی از مردم در این مسئله دخیلند، مقامات حکومتی یا نماینده آنان در جریان تخلیه حضور داشته باشند؛ (ه) نام و مشخصات همه افرادی که حکم تخلیه را به مرحله اجرا می‌گذارند به نحو مناسبی معلوم باشد؛ (و) کار تخلیه در شرایطی که هوا خوب نیست یا در شب انجام نشود مگر افراد مورد شمول با آن موافقت کنند؛ (ز) ارائه راهکارهای احقاق حق قانونی؛ و (ح) در صورت امکان، ارائه کمک حقوقی به افراد نیازمند آن تا بتوانند از طریق قضایی دادخواهی کنند.⁴⁴

افراد وابسته به اقلیت‌ها در بهره‌گیری از حق آموزش نباید تحت تبعیض قرار گیرند. معنای این سخن آن است که آنان نه فقط باید به صورت برابر با سایر شهروندان کشور به آموزش دسترسی داشته باشند، بلکه همچنین باید امکانات مناسب برای حفظ هویت آنان و از جمله زبانشان در اختیار آنان قرار گیرد. در حالی که حکومت آموزش به زبان(های) رسمی کشور را در اختیار اکثریت مردم می‌گذارد، اعضای اقلیت‌ها حق دارند مدارس را که در آن آموزش به زبان خودشان عرضه می‌شود تأسیس و اداره کنند.⁴⁵ قوانین بین‌الملل حق افراد (از جمله اعضای اقلیت‌ها) را در تأسیس و اداره نهادهای آموزشی، با قید این که آن‌ها حد اقل استانداردهای تعیین شده از سوی حکومت را رعایت کنند، به رسمیت می‌شناسد.⁴⁶ والدین در انتخاب نوع آموزشی که به کودکان آنان عرضه می‌شود، حق تقدم دارند.⁴⁷ این امر از جمله، شامل این حق است که نهادهای دیگری جز نهادهای ایجاد شده و تحت کنترل مقامات دولتی را برای کودکان خود انتخاب کنند.⁴⁸

مقامات کشوری باید اقدامات مثبتی را انجام دهند: (الف) که هرگاه که امکان داشته باشد افراد متعلق به اقلیت‌ها از فرصت‌های کافی برای آموزش زبان مادری یا تعلیم به زبان مادری خود برخوردار شوند؛ و (ب) تا دانش بر زبان اقلیت‌های موجود در محدوده خود را ترویج کنند.⁴⁹

⁴³ همانجا، بند 13

⁴⁴ همانجا، بند 15

⁴⁵ Permanent Court of International Justice, *Minority Schools in Albania*, Advisory opinion of 6 April 1935, Series A/B, no. 64.

⁴⁶ Convention on the Rights of the Child, article 29.2. See also Convention against Discrimination in Education article 5.c.

⁴⁷ Universal Declaration of Human Rights article 26.3; International Covenant on Civil and Political Rights, article 18.

⁴⁸ International Covenant on Economic Social and Cultural Rights, article 13.3; UNESCO Convention against Discrimination in Education, article 5.b.

⁴⁹ Article 4.3 and 4.4, Declaration on the Rights of Persons Belonging to National or Ethnic, Religious and Linguistic Minorities, adopted by General Assembly resolution 47/135 of 18 December 1992.

3 - مخالفت مسلحانه: جنرالده

جنرالده كه به نام جنبش مقاومت مردم ايران نيز معروف است در سال 2005 موقعي مطرح شد كه 8 سرباز ايراني را به گروگان گرفت. اين سازمان به رهبري عبدالملك ريگي تقريبا 24 ساله كه گفته مي‌شود حدود 1000 جنگجوي آموزش‌ديده دارد، ظاهرا در نواحی بلوچ‌نشین ايران فعاليت مي‌کند و پايگاه‌هایی در آن طرف مرز در پاکستان دارد. در گذشته، مقامات ايران جنرالده را به القاعده منسوب کرده‌اند، ولی در عين حال مدعی شده‌اند كه اين سازمان با قدرتهای خارجي و به خصوص آمريکا⁵⁰ و بریتانیا⁵¹ ارتباط دارد. مقامات ايراني بارها از حملات جنرالده تحت عنوان اين كه از سوي «اشرار مسلح» صورت گرفته است ياد کرده‌اند.

هدف‌های جنرالده كاملا روشن نيست، ولی در اظهارات رهبران گروه از تبعيض عليه بلوچ‌های ايراني به عنوان انگيزه محرك عملياتشان نام برده شده است. برای مثال، عبدالحميد ريگي در ژانويه 2006 گفت كه اين گروه برای يك نظام دموكراتيك‌تر و حقوق كامل سنی‌های ايران مبارزه مي‌کند. او اظهار داشت كه بسياری از اعضای گروه پس از اين كه مستقيما بی‌عدالتي را تجربه کرده‌اند به گروه پيوسته‌اند؛ گفته مي‌شود كه برادر و عموی عبدالملك ريگي در درگيري‌های جداگانه با پليس ايران كشته شده‌اند.⁵² در 14 ماه مه 2006، عبدالملك ريگي به قرار اطلاع گفته است كه چهارسال پيشتر از آن، او به عنوان آخرين وسيله برای «حفظ حقوق ملی و مذهبی بلوچ‌ها و سنی‌ها در استان بلوچستان» كه از انقلاب اسلامی 1979 سرکوب شده‌اند، به مبارزه مسلحانه متوسل شده است.⁵³

در 20 فوریه 2007، «جنبش مقاومت مردم ايران» (سابقا جنرالده ايران) در يك بيانيه عمومی اظهار داشت كه اين گروه:

«يك سازمان دفاعی است كه برای مبارزه در راه آزادی و دموكراسی در ايران و محافظت از مردم بلوچ و ساير اقليت‌های مذهبی و قومی تشكيل شده است. هدف ما تغيير رژيم حاضر و استقرار يك نظام جديد در ايران است كه هر ايراني در آن از امكانات و حقوق برابر برخوردار باشد. ما تعهد کرده‌ايم كه اعلاميه جهانی حقوق بشر و همه ميثاق‌ها و قطعنامه‌های سازمان ملل را بپذيريم. ما فقط در دفاع از خود عمل مي‌کنيم و هرگاه كه رژيم ايران يك ايراني بی‌گناه را بکشد، ما بر اساس تمامی ميثاق‌های سازمان ملل كه به مردم و ملت‌ها اجازه مي‌دهد در برابر تجاوز و نسل‌كشی از خود دفاع

⁵⁰ در 3 آوريل 2007، اخبار ای‌بی‌سی از قول منابع آمريکايی گزارش داد كه از طريق تبعيديان ايراني در اروپا و خليج برای جنرالده پول فرستاده مي‌شود تا از كمك مستقيم كه به «تحقيقات» رسمی رياست جمهوری و نظارت كنگره نياز دارد اجتناب شود. اين ادعا را سيا تكديب كرد.

⁵¹ Commander of the Law-Enforcement Force General Esma'il Ahmadi-Moqaddam in an interview with IRNA, 17 Mar 2006

⁵² "We will cut them until Iran asks for mercy" by Massoud Ansari,

www.telegraph.co.uk/news/main.jhtml?xml=/news/2006/01/15/wiran15.xml&Sheet=/news/2006/01/15/ixnewstop.html.

⁵³ مصاحبه با مريم كاشانی، در نشریه اينترنتی روز، 14 مه 2006 <http://roozonline.com/english/015534.shtml>

کنند عمل می‌کنیم... ما تلاش می‌کنیم که رژیم ایران را واداریم تا از سیاست‌های خشن خود علیه مردم بلوچ و سایر شهروندان ایرانی دست بردارد. ما برای قطع تبعیض، خشونت، بی‌عدالتی، فساد و تصفیه قومی در ایران مبارزه می‌کنیم.»⁵⁴

بیانیه منکر هرگونه رابطه گروه با حکومت‌های خارجی یا گروه‌های اسلام‌گرا مانند القاعده یا طالبان شده است، و دریافت کمک مالی، تسلیحاتی یا آموزشی از منابع خارجی را تکذیب کرده است.

عفو بین‌الملل، اما، به این نکته توجه دارد که به رغم بیانیه‌های جن‌دالله در مورد انگیزه‌ها و ادعاهای آن در مورد رعایت قوانین بین‌الملل، این گروه به اعتراف خود (نگاه کنید به بخش 1-3 در پایین) تعدیات فاحشی از قبیل گروگان‌گیری، کشتن گروگان‌ها و حمله علیه اهداف غیر نظامی مانند دفتر استاندار در زاهدان را مرتکب شده است. عفو بین‌الملل گروگان‌گیری، کشتن گروگان‌ها و شکنجه و بدرفتاری و همچنین حمله علیه غیر نظامیان و حملات بی‌ملاحظه را بدون هیچ قید و شرط، و صرف نظر از انگیزه مرتکبان آن و هر توجیهی که برای این کارهای خود ارائه کنند، محکوم می‌کند. تحت قوانین بین‌المللی، و به دید عفو بین‌الملل، هیچ چیز هرگز نمی‌تواند این اعمال را توجیه کند. این اعمال همیشه غیر قانونی و نادرست‌اند و باید خاتمه یابند.

1-3- حملات جن‌دالله

از ژوئن 2005، و ظاهراً در حمایت از خواست‌های مبنی بر این که مقامات کشوری باید تعدادی از اعضای جن‌دالله و سایر افراد وابسته به اقلیت بلوچ را از بازداشت یا زندان آزاد کنند، تقریباً 20 نفر از مأموران ایرانی به وسیله جن‌دالله گروگان گرفته شده‌اند. برخی از آنان بعداً کشته و برخی دیگر آزاد شده‌اند. افراد دیگری از مقامات به قرار اطلاع پس از دستگیری بلافاصله کشته شده‌اند که دروغ بودن ادعاهای جن‌دالله مبنی بر رعایت حقوق بشر را نشان می‌دهد.

در سال 2005، تلویزیون العربیه مستقر در امارات متحده عربی گزارش داد که جن‌دالله مدعی شده است که يك مقام اطلاعاتی ایرانی به نام شهاب منصور را در 20 ژوئن 2005 دستگیر کرده است. در 12 ژوئیه، گزارش شد که این گروه يك فیلم ویدئویی از قتل او را پخش کرده است.⁵⁵ در دسامبر 2005، به فاصله کوتاهی پس از يك حمله به يك کاروان اتومبیل حامل مقامات که دو نفر در جریان آن کشته شدند،⁵⁶ دست کم هشت پلیس ایرانی به وسیله جن‌دالله اسیر شدند.⁵⁷ بنا به گزارش، دست کم یکی از آنان - سروان عباس نامجو که ظاهراً مأمور مرزی بوده است - در ژانویه 2006 کشته شده و بقیه بعداً آزاد شده‌اند.

⁵⁴ <http://jonbeshmardom.blogspot.com/2007/03/statement-of-peoples-resistance.html>

⁵⁵ در 16 ژوئیه، وزیر اطلاعات ایران علی یونسی در مصاحبه با خبرگزاری مجاز رسمی دانشجویان ایران (ایسنا) این قتل را تأیید ولی تکذیب کرد که شهاب منصور یکی مأمور اطلاعاتی بوده است.

⁵⁶ آقای احمدی‌نژاد قرار بود که در این کاروان باشد، ولی بعد برنامه حرکتش را تغییر داد.
⁵⁷ در نوامبر 2006، محمد عسکری پس از این که به دست داشتن در حمله‌ای به این کاروان مجرم شناخته شده بود در ایرانشهر به دار آویخته شد (نگاه کنید به 1-3 در زیر).

همچنین سه تبعه ترکیه در دسامبر 2005 ربه شده شدند که بنا به گزارش‌ها ممکن است جنرالده مسئول این کار بوده باشد. این سه تن بعدا آزاد شدند.⁵⁸

جنرالده همچنین مسئولیت آن چه را که در ایران به «واقعده تاسوکی» مشهور شده به عهده گرفته است. در 16 مارس 2006، اعضاى جنرالده به يك كاروان اتومبیل نزدیک شهر تاسوکی در منطقه سیستان حمله کردند و تعدادی از مقامات ایرانی را به اسارت گرفتند. 23 تن از مقامات به عنوان غیر بلوچ از دیگران جدا و در کنار جاده کشته شدند. هفت نفر دیگر به گروگان گرفته شدند، که دو تن از آنان -- يك افسر سپاه پاسداران انقلاب به نام احمد زاهد شیخی و رییس یگان ویژه سپاه پاسداران انقلاب (اطلاعات) به نام سرهنگ حمیدرضا کاوه بیرجندی⁵⁹ -- در ماه‌های آوریل و مه 2006 کشته شدند. فیلم‌های ویدیویی که ادعا شده گروگان‌ها و کارت‌های شناسایی آنان را نشان می‌دهد در 21 مارس 2006 به تلویزیون الجزیره فرستاده شد و فیلم‌های دیگری که ظاهرا کشتن احمد زاهد شیخی و سرهنگ کاوه بیرجندی را نشان می‌دهد بعدا پخش شده است. ولی، وزیر کشور مصطفی پورمحمدی این امر را که تصاویر مربوط به سرهنگ باشد تکذیب کرد و آن را متعلق به «گروگانی قدیمی» دانست که قبلا کشته شده است.⁶⁰ علی پورشمسیان، معاون رییس بخش حراست هلال احمر ایران که یکی از کسانی بوده که در «واقعده تاسوکی» گروگان گرفته شده بود، پس از آزادی خود در اوت 2006 گفت که احمد زاهد شیخی و سرهنگ کاوه بیرجندی هنوز زنده‌اند و به عنوان گروگان نگه داشته شده‌اند. او گفت که چهار نفر دیگر از گروگان‌های «تاسوکی» آزاد شده‌اند.⁶¹ ولی در آوریل 2007، روزنامه رسمی ایران گزارش داد که چهار تن از گروگان‌های «تاسوکی» کشته و سه تن آزاد شده‌اند.⁶²

جنرالده همچنین به داشتن مسئولیت برای يك واقعده دیگر در 13 مه 2006 متهم شده است، که در جریان حمله‌ای در جاده کرمان به بم در استان کرمان، 12 نفر کشته شدند و همه آنان بنا بر گزارش غیر نظامی بوده‌اند. مهاجمان که لباس بلوچی و یونیفورم پلیس به تن داشتند، 11 نفر را پس از کشاندن آنان به بیرون از اتومبیل‌هایشان کشتند و يك نفر دیگر را که با اتومبیلی از آن جا رد می‌شد و نایستاده بود نیز کشتند. آنان همچنین پسری 11 یا 12 ساله را به يك تیر برق بستند و او را واداشتند که صحنه کشتن را تماشا کند. مقامات ایرانی و از جمله امیررضا سواری، رییس دبیرخانه شورای عالی امنیت ملی و سردار اسکندر مؤمنی معاون نیروی انتظامی بعدا جنرالده را به این حمله متهم کردند،⁶³ ولی جنرالده آن را تکذیب کرده است. عفو بین‌الملل در دسامبر 2006 از مقامات ایران در مورد هر تحقیق رسمی که در مورد این واقعده صورت گرفته توضیح خواست، ولی تا اوت 2007 پاسخی دریافت نکرده است.

در 14 دسامبر 2006، يك روز پیش از انتخابات سرتاسری مجلس خبرگان و انتخابات شوراهای محلی، بمبی در يك اتومبیل جلو دفتر استانداری سیستان و بلوچستان در زاهدان منفجر شد و باعث مرگ صاحب

⁵⁸ Iran: Group Releases Turks, Still Holding Soldiers Hostage

<http://www.rferl.org/featuresarticle/2006/01/b66f6681-b4db-47fc-9284-44a92bcb8e2.html>

⁵⁹ یگان ویژه پاسداران (اطلاعات)، مردمسالاری، 8 مه 2007، به نقل از ایلنا.

⁶⁰ سایت مردمسالاری، 8 مه 2006

⁶¹ روزنامه کیهان، 20 اوت 2006

⁶² Iran Daily, 18 April 2007 <http://www.iran-daily.com/1386/2821/html/index.htm>

⁶³ گزارش‌های ایسنا و خبرگزاری فارس 14 مه 2006

اتومبیل گردید که به قرار اطلاع ربوده شده بود، و کمی هم به ساختمان استانداری آسیب زد. جندالله مسئولیت این حمله را به عهده گرفته است. به فاصله کوتاهی پس از آن، به قرار اطلاع، بمب دیگری در يك سطل زباله جلو دانشگاه زاهدان منفجر شد و يك دانشجو را زخمی کرد. مقامات دولتی جندالله را مسئول آن دانستند، ولی جندالله مسئولیت خود را منکر شده است.

در 14 فوریه 2007، اتومبیلی حاوی بمب يك اتوبوس حامل سپاهیان پاسدار و دیگران را منفجر کرد و دست کم 14 نفر از آنان را کشت و تقریباً 30 نفر را مجروح کرد. مسئولیت این حمله را که از سوی دبیر کل سازمان ملل، بان کی مون محکوم شد⁶⁴ بعداً جندالله به عهده گرفت. این گروه ظاهراً گفته است که حمله به تلافی اعدام چندین نفر از اعضای اقلیت عرب اهوازی،⁶⁵ که در دادگاه‌هایی ناعادلانه به اتهام بمب‌گذاری در استان خوزستان در سال 2005 محکوم شده بودند، صورت گرفته است.⁶⁶ دو روز بعد، بمب دیگری در زاهدان منفجر شد که جراحاتی به دنبال نداشت.

در 27 فوریه 2007، پس از يك درگیری مسلحانه بین اعضای جندالله و نیروهای امنیتی در استان سیستان و بلوچستان، این گروه چهار پلیس ایرانی را به گروگان گرفت. گزارش شده است که سه تن در حمله نیروهای امنیتی پاکستان به ساختمانی در بولدا در پاکستان در 23 مارس آزاد شدند. آنان گفتند که نفر چهارم چند روز پیشتر به وسیله جندالله کشته شده است.⁶⁷

عفو بین‌الملل گروگان‌گیری و کشتن گروگان‌ها را، چه به وسیله نیروهای حکومتی یا به دست گروه‌های مسلح صورت بگیرد، کاملاً محکوم می‌کند. این اعمال نقض شدید قوانین بین‌المللی بشمار می‌رود. این سازمان همچنین با هر نوع حمله عمدی به غیر نظامیان، حملات بی‌ملاحظه و حملات بی‌تناسب مخالف است.

گروه‌های مسلح و قوانین بین‌المللی

مخالفت عفو بین‌الملل با خشونت‌های گروه‌های مسلح در اصول و ارزش‌های احترام به حقوق و حیثیت بشری برای همه و اصول قوانین انسان‌دوستانه بین‌المللی (international humanitarian law - IHL) ریشه دارد. قوانین حقوق بشر عموماً در مورد گروه‌های مسلح (که امضاکننده پیمان‌های حقوق بشری نیستند) مستقیماً مصداق پیدا نمی‌کند. قوانین انسان‌دوستانه بین‌المللی که می‌توانند در مورد گروه‌های مسلح به کار گرفته شود، استانداردهایی برای رفتار انسانی تعیین می‌کنند که در مورد همه طرف‌های درگیری‌های مسلحانه قابلیت کاربرد دارند. به بیان کمیته بین‌المللی صلیب سرخ، که بالاترین مرجع قوانین انسان‌دوستانه بین‌المللی بشمار می‌رود، «هرجا که نیروهای مسلح به کار گرفته می‌شود، گزینه‌های وسیله و روش نامحدود نیست». این قانون اولیه صریحاً در تعدادی از پیمان‌های قوانین بین‌المللی منعکس شده است. اصل 3

⁶⁴ Secretary-General Condemns Terrorist Attack In Zahedan, Iran 14 February 2007, <http://www.un.org/News/Press/docs/2007/sgsm10881.doc.htm>

⁶⁵ See, for example, Iran: Four Iranian Arabs executed after unfair trials (AI Index: MDE 13/005/2007) and Iran: Amnesty International condemns executions after unfair trials (AI Index: MDE 13/016/2007).

⁶⁶ AFP, 14 February 2007

⁶⁷ AFP, 26 March 2007.

مشترك در چهار میثاق 1949 ژنو و پروتکل 2 اضافی آنها اسنادی هستند که مستقیماً به برخوردهای نظامی غیر بین‌المللی مربوط می‌شود، که گروه‌های مسلح معمولاً در این چهارچوب عمل می‌کنند. این پیمان‌ها به طور فزاینده‌ای با قوانین معمولی بین‌المللی تکمیل شده‌اند. بررسی کارشناسانه صلیب سرخ جهانی از قوانین انسان‌دوستانه بین‌المللی معمول به این نتیجه رسیده است که بسیاری از مقررات این قوانین که در مورد درگیری‌های بین‌المللی تدوین شده است اکنون درگیری‌های غیر بین‌المللی را نیز شامل می‌شود. این مقررات، ممنوعیت حمله به غیرنظامیان، و حملات بی‌ملاحظه و بی‌تناسب را در بر می‌گیرد.

در مواردی که به حد درگیری نظامی نمی‌رسد، عفو بین‌الملل از گروه‌های مسلح می‌خواهد که اصول بنیادین انسانی مستخرج از قوانین انسان‌دوستانه بین‌المللی را رعایت کنند. بر این اساس، عفو بین‌الملل خشونت‌های فاحش گروه‌های مسلح، از جمله حملاتی که غیرنظامیان را هدف قرار می‌دهد، حملات بی‌ملاحظه و بی‌تناسب، شکنجه و سایر بدرفتاری‌ها، گروگان‌گیری، و کشتن اسیران را محکوم می‌کند.

4 - نقض حقوق بشر علیه بلوچ‌ها

گرچه اطلاعات مربوط به نواحی بلوچ‌نشین در ایران همیشه به سختی قابل دریافت و تأیید است، عفو بین‌الملل مواردی از نقض حقوق بشر علیه بلوچ‌ها را که به این سازمان رسیده در طول سال‌ها مستند کرده است. برای مثال، در اواخر دهه 1980 و دهه 1990 عفو بین‌الملل مواردی از اعدام بدون محاکمه عادلانه بلوچ‌ها را ثبت کرده است. اعدام‌شدگان معمولاً به راهزنی، قاچاق مواد مخدر یا مبارزه مسلحانه علیه جمهوری اسلامی متهم شده بودند.

تعدادی از بلوچ‌ها، از جمله روحانیان سنی، در شرایط مشکوکی در داخل یا خارج کشور کشته شده‌اند. موارد مرگ مشکوک مشابه سایر اقلیت‌های مذهبی یا مخالفان مقامات ایران، از وجود يك برنامه اعدام‌های فراقضایی به وسیله مقامات ایران حکایت می‌کند.⁶⁸ دو عضو طایفه نارویی، هیبت و دلاور، در مارس 1993 در جلو خانه خود در کراچی به ضرب گلوله کشته شدند.⁶⁹ مولوی عبدالملک ملازاده (برادر مولوی علی اکبر ملازاده که در بالا مطلبی از او نقل شد و پسر يك روحانی برجسته سنی بلوچ) و يك همراه او به نام عبدالناصر جمشید زهی در شرایط مشکوکی در 1996 در پاکستان کشته شدند.⁷⁰ بنا به گزارش، آنان در خیابانی در ناحیه لیاری کراچی به وسیله افرادی ناشناخته که با يك تاکسی از کنار آنان می‌گذشتند به ضرب گلوله کشته شدند. مولوی احمد صیاد، يك رهبر سنی با اصلیت بلوچ، پس از دستگیری به وسیله نیروهای امنیتی ایران در فرودگاه بندرعباس به هنگام بازگشت از امارات متحده عربی در ژانویه 1997، در شرایط نامشخصی درگذشت. جسد او پنج روز بعد در خارج شهر پیدا شد. او قبلاً در سال 1990

⁶⁸ See for example Iran: Amnesty International concerned about possible government involvement in deaths of Iranian nationals AI index: MDE 13/07/96; and Iran: "Mykonos" trial provides further evidence of Iranian policy of unlawful state killings AI index: MDE 13/15/97

⁶⁹ Amnesty International Report 1994

⁷⁰ Iran: "Mykonos" trial...op.cit

دستگیر شده و ظاهراً به خاطر عقاید مذهبی و تصور داشتن ارتباط نزدیک با عربستان سعودی به مدت پنج سال بدون محاکمه بازداشت شده بود. پس از آزادی از زندان، او در سیستان و بلوچستان مدرسه‌ای برای مسلمانان سنی باز کرده بود.⁷¹ در نامه‌ای خطاب به گزارشگر پیشین سازمان ملل در باره وضع حقوق بشر در ایران، مقامات ایران اظهار داشتند که مولوی احمد صیاد «در يك ايستگاه اتوبوس فوت کرده است» و «پزشکی قانونی تأیید کرده که او به دلیل مشکل قلبی فوت کرده است».⁷² امان نوری، يك روحانی سنی از زابل، پس از انتقاد از سیاست‌های دولت در منطقه در ژوئیه 1998 به دست افراد مسلح ناشناس کشته شد. نشانی از این که مقامات ایرانی در مورد قتل او تحقیق کرده باشند در دست نیست.⁷³



جسد مولوی احمد صیاد پس از دستگیر شدن به وسیله نیروهای امنیتی ایران در 1997 پیدا شد.

© www.taftaan.mihanblog.com

در سال‌های اخیر، با وجود باز شدن محتاطانه فضای فرهنگی برای بلوچ‌ها، اتهامات گسترده‌ای از نقض حقوق بشر علیه بلوچ‌ها در چهارچوب پاسخ رسمی به وضعیت امنیتی رو به وخامت مناطق بلوچ‌نشین گزارش شده است.

4-1 پاسخ نظامی

برای سالیان متمادی، در شرق کشور حضور نظامی سنگینی وجود داشته است. این امر پس از «واقعه تاسوکی» (شرح آن را در بالا ببینید) تشدید شده است. يك نیروی کوچک به نام مرصاد که به قرار اطلاع از سال 1995 برای مقابله با قاچاق مواد مخدر در کرمان مستقر شده بود، به يك واحد عملیاتی مشترک نیروهای مختلف امنیتی در پایگاهی نزدیک زاهدان گسترش یافته است.⁷⁴ منابع بلوچی ادعا می‌کنند که این واحد مأموریت دارد تا با ایجاد ترس در جامعه محلی امنیت را حفظ کند و از این رو به آن اجازه داده شده است که با مصونیت از مجازات به نقض فاحش حقوق بشر مانند قتل غیر قانونی و شکنجه دست بزند. در

⁷¹ Iran: Amnesty International concerned about possible government involvement in deaths of Iranian nationals op.cit

⁷² Interim Report On The Situation Of Human Rights In The Islamic Republic Of Iran, Prepared By The Special Representative Of The Commission On Human Rights In Accordance With Commission Resolution 1996/84 And Economic And Social Council Decision 1996/287 11 October 1996

<http://www.unhcr.ch/Huridocda/Huridoca.nsf/0/61f4b0d4b32382958025670c00538894?Opendocument>

⁷³ Amnesty International Report 1999.

⁷⁴ در مارس 2005، سر تیب حمید گریزان فرمانده وقت قرارگاه مرصاد در جنوب شرق استان کرمان اظهار داشت که در پایگاهش که در 1995 تأسیس شده است «به منظور مقابله با باندهای مسلح قاچاقچیان، جلوگیری از شرارت، و به طور کلی تأمین حس امنیت در قسمت شرق کشور» اصلاحاتی انجام شده و قرارگاه‌های کوچکتر نیز در استان‌های سیستان و بلوچستان، خراسان جنوبی و کرمان تأسیس شده است. رادیو آزاد اروپا: ایران: مشکل مواد مخدر در ایران ظاهراً بدتر شده است، به نقل از روزنامه رسمی جمهوری اسلامی مورخ 6 مارس 2005

سال 1998 فرمانده پادگان مرصاد به قرار اطلاع گفته است، «به ما دستور داده نشده است که افرادی را که مسلح هستند دستگیر و تحویل دهیم. بنا به بخشنامه‌ای که به ما داده شده است، ما هریک از اشرار را هر جا دستگیر کنیم اعدام خواهیم کرد».⁷⁵

در آوریل 2006، به دنبال «واقعه تاسوکی» قرارگاه نظامی رسول اکرم در زاهدان به منظور هماهنگ کردن تلاش‌های پلیس، ارتش و سایر نهادهای امنیتی در منطقه ایجاد شد. این امر ظاهراً پس از تشکیل یک «شورای تأمین»⁷⁶ در این استان صورت گرفته است. اعتقاد بر این است که قرارگاه نظامی رسول اکرم پایگاه اصلی واحد توسعه یافته مرصاد در سیستان و بلوچستان است، و تخمین زده می‌شود که در حال حاضر بین 20 تا 25 هزار سرباز دارد.⁷⁷

در ژوئن 2006، سر‌تیب قاسم رضائی، جانشین وقت فرمانده نیروهای انتظامی ایران در قرارگاه رسول اکرم به ایرنا گفته است:

«این قرارگاه نظامی فرا نظامی و فرا ملی است به این معنا که نیروهای مستقر در این جا از ارتش، سپاه، واحد هوانیروز، بسیج و نیروهای انتظامی تشکیل شده است... این قرارگاه نظامی دو ماه پیش کار خودش را آغاز کرده و در این فاصله پنج پایگاه در این استان ایجاد کرده که تحت فرماندهی آن عمل می‌کنند. در حال حاضر، قرارگاه مشغول آماده سازی تیپ‌های مسلح است تا وارد مرحله عملیاتی شوند».⁷⁸

در اوت 2006، همین فرمانده گفت که یکی از کارهای این قرارگاه جلوگیری از قاچاق مواد مخدر در مناطق شرقی استان هرمزگان، و در استان‌های کرمان، خراسان جنوبی و سیستان و بلوچستان است. او گفت که «پایگاه‌های عملیاتی پیش جبهه در منطقه ایجاد شده است، اردوگاه‌های بسیج تأسیس شده و از قبایل آماده به همکاری استفاده خواهد شد» و تأکید کرد که مقامات «سیستم اطلاعاتی منطقه را تقویت کرده‌اند».⁷⁹ او همچنین برنامه‌های مربوط به بستن یک مسیر 70 کیلومتری مرز با پاکستان را از طریق ایجاد خندق به عرض 5 متر و عمق 4 متر، همراه با کنترل الکترونیک و گشت‌های مسلح اعلام کرد. در نوامبر 2006، آنتونیو ماریا کوستا، مدیر اجرایی دفتر سازمان ملل در باره مواد مخدر و جنایت (یونودک) که از قرارگاه رسول اکرم دیدن می‌کرد اعلام کرد که یونودک 22 میلیون دلار به ایران کمک خواهد کرد. او گفت که این کمک برای تقویت مرز شرقی علیه قاچاقچیان مواد مخدر و برای فعالیت‌های اطلاعاتی پلیس در آن منطقه از کشور منظور شده است.⁸⁰

⁷⁵ روزنامه رسمی اطلاعات، 26 فوریه 1998 نقل شده در سند کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل

<http://www.unhcr.ch/Huridocda/Huridoca.nsf/TestFrame/e8fd3e68a3e4b563802566880051d10e?Opendocument>.

⁷⁶ شورای تأمین. این ممکن است همان شورای توسعه امنیت شرق کشور باشد که سردار اسماعیل احمدی مقدم فرمانده نیروی انتظامی به هنگام افتتاح قرارگاه از آن یاد کرده است. سایت آفتاب یزد، 15 آوریل 2006 (به نقل از ایسنا).

⁷⁷ سایت مردمسالاری، تهران، 25 آوریل 2006

⁷⁸ خبرگزاری ایرنا، تهران، 11:02 به وقت گرینویچ، 15 ژوئن 2006

⁷⁹ نشریه رودبار زمین، استان کرمان، 9 اوت 2006

⁸⁰ IRNA 8 November 2006

2-4- پاسخ قضایی

در ماه مه 2006، حجت الاسلام والمسلمین محمد ابراهیم نکونام، یک قاضی که قبلاً دادستان دادگاه ویژه روحانیت و سپس معاون دادستان کل شده بود، به عنوان مشاور رییس قوه قضائیه و رییس کل اداره دادگستری سیستان و بلوچستان منصوب شد.⁸¹ در همان ماه سر تیپ قاسم رضایی اعلام کرد که یک دادگاه ویژه در شرق کشور ایجاد می‌شود. او گفت:

«تأسیس این دادگاه همزمان با آغاز کار قرارگاه شرق کشور روند مقابله با اشرار را تشدید می‌کند و صدور مجازات‌هایی که متناسب با جرم باشد مسلماً در کنترل جرم نقش مهمی خواهد داشت.»⁸²

سید محسن صادقی، معاون استاندار در امور سیاسی و امنیتی در استان سیستان و بلوچستان، در ژوئن 2006 با اشاره به این دادگاه گفت:

«ایجاد قرارگاه نظامی رسول اکرم، عملیات پایگاه‌ها و تیپ‌های تحت فرماندهی آن در نبردهای تعیین‌کننده علیه اشرار و کسانی که امنیت را به خطر می‌اندازند، فعالیت‌های دادگاه ویژه رسیدگی به جرایم امنیتی، موضع قاطع قوه قضائیه علیه جرایم و تشدید اقدامات امنیتی، همه این‌ها کمک کرده است تا مردم احساس امنیت و آرامش کنند.»⁸³

در همان ماه از قول حجت الاسلام نکونام نقل شده که گفته است یک «مجتمع قضایی ویژه جرایم امنیتی» برای رسیدگی به «شرارت، ناامنی، گروگان‌گیری، آدم‌ربایی، راهزنی، راهبندی، سرقت مسلحانه، قاچاق عمده‌ای و شبکه‌ای مواد مخدر و سلاح و مهمات و هر اغتشاش و ناامنی» ایجاد شده است. او گفت که به قوه قضائیه پیشنهاد شده که یک شعبه از دیوان عالی کشور در این مجتمع برای زودتر اجرا شدن احکام مستقر شود تا فاصله بین وقوع جرم و اجرا مرتفع گردد. او اضافه کرد:

«تشکیلات قضایی محدود و مأمور به اجرای حدود الهی و اسلامی است و قومیت، مذهب و دیدگاه‌ها در نحوه رسیدگی تفاوتی ندارد.»

همین مقاله گفته است که مجتمع کار خود را با یک نفر باز پرس و دو دادیار آغاز کرده است.⁸⁴

پس از آن، در ژوئن 2006، موقعی که اعدام شش نفر به خاطر نقض قوانین مذهبی اعلام شد⁸⁵، حجت الاسلام نکونام به مشکلات محلی اشاره کرد و گفت برای حل آن‌ها اقداماتی در جریان است:

⁸¹ سایت روزنامه فرهنگ آشتی، 9 مه 2006

⁸² سایت روزنامه کیهان، 23 مه 2006

⁸³ IRNA 15 June 2006

⁸⁴ کیهان، 7 ژوئن 2006

⁸⁵ عقیده بر این است که این شش نفر به اتهام محاربه یا افساد فی الارض به مرگ محکوم شده‌اند، آفتاب یزد، 22 ژوئن 2006

«سیستم اداری و قضایی استان يك سیستم ناکارآمد است و موانع سیستمی زیادی دارد اما با این وجود با تمام توان و با عنایت و توجه رییس قوه قضاییه و مقام معظم رهبری به استان، احکام الهی را به سرعت رسیدگی و اجرا می‌کنیم.»⁸⁶

عفو بین‌الملل اطلاع دیگری در باره این دادگاه یا رویه‌ای که تحت آن عمل می‌کند ندارد. روشن نیست که آیا دادگاه به عنوان يك شعبه دادگاه انقلاب عمل می‌کند و از این نظر تابع آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب است، یا این يك دادگاه ویژه مانند يك دادگاه نظامی یا دادگاه فوق‌العاده دیگر است و خارج از چهارچوب آن عمل می‌کند. سازمان عفو بین‌الملل در ژوئیه 2007 طی نامه‌ای از رییس قوه قضاییه اطلاعات بیشتری، از جمله روشن کردن اختیارات دادگاه، رویه کار و ترکیب آن، به شمول هر گونه روند تجدیدنظر، را درخواست کرد و خواهان اطلاعات آماری در باره عملکرد این دادگاه از هنگام تأسیس آن شد، مانند تعداد پرونده‌هایی که در آن رسیدگی شده، نوع پرونده‌ها و اتهامات مربوطه، تعداد افرادی که در آن مجرم شناخته شده‌اند، تعداد کسانی که در آن محکوم به مرگ شده‌اند، و تعداد کسانی که پس از محکومیت در این دادگاه اعدام شده‌اند. تا اوت 2007، عفو بین‌الملل پاسخی دریافت نکرده است. تأسیس این دادگاه همچنین با افزایش چشمگیر تعداد بلوچ‌هایی که اعدام آنان در ایران گزارش شده هم‌زمان بوده است (نگاه کنید به بخش 4-4 در پایین).

عفو بین‌الملل از این نگران است که رویه به کار رفته در این دادگاه، همانند رویه‌هایی که در دادگاه‌های دیگر از قبیل دادگاه ویژه روحانیت معمول است، از استانداردهای بین‌المللی مربوط به محاکمه عادلانه، مانند آن چه که در میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی آمده و ایران يك کشور امضاکننده آن است، بسیار پایین‌تر باشد. اطلاعات بسیار کمی که در باره محاکمه برخی از بلوچ‌ها وجود دارد که در ظرف چند روز دستگیر، محاکمه و اعدام شده‌اند، و تعداد زیاد بلوچ‌هایی که از هنگام تأسیس این دادگاه در ماه مه 2006 اعدام شده‌اند، همراه با اظهارات حجت‌الاسلام نکونام در باره لزوم تسریع در اجرای احکام، ظاهراً بدون رعایت حق تجدید نظر، و نیاز به حل «موانع سیستمی»، نگرانی‌های شدیدی را در باره این که روندهای عادلانه محاکمه در دادگاه ویژه جرایم امنیتی نقض می‌شود، برمی‌انگیزد. عفو بین‌الملل به خصوص در باره ناعادلانه بودن رویه‌های این دادگاه، با توجه به امکان صدور حکم اعدام و تعهدات بین‌المللی خاص مربوط به حقوق متهم برای محاکمه عادلانه که صدور حکم اعدام به همراه دارد، اظهار نگرانی می‌کند. هر حکم اعدامی که پس از يك دادگاه ناعادلانه به مرحله اجرا درآید، نفی خودسرانه حق حیات محسوب می‌شود.

مقامات ایران تحت قوانین بین‌المللی ملزمند برای همه کسانی که به پیشگاه نظام قضایی آورده می‌شوند، محاکمه‌هایی عادلانه تضمین کنند (در مورد حد اقل استانداردهای محاکمه عادلانه، به داخل کادر در بخش 5 - 4 پایین مراجعه کنید). کمیته حقوق بشر که مسئولیت نظارت بر اجرای میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی را به عهده دارد، گفته است که «ماده 14 نه فقط در مورد رویه‌های تعیین کننده اتهامات کیفری علیه افراد صادق است و بلکه در مورد رویه‌های مربوط به تعیین حقوق و وظایف آنان در يك دادخواهی در قانون نیز صدق می‌کند». کمیته مضافاً علیه «وجود ... دادگاه‌های نظامی یا ویژه برای محاکمه غیرنظامیان» اخطار کرده است: «این امر ممکن است مشکلاتی جدی در موارد مربوط به اجرای منصفانه،

⁸⁶ ILNA 21 June 2006 <http://www.ilna.ir/shownews.asp?code=318992&code1=15>.

بی‌طرفانه و مستقل عدالت ایجاد کند. در غالب موارد، دلیل تأسیس چنین دادگاه‌هایی اجازه دادن به اجرای رویه‌های استثنایی است که استانداردهای معمول قضاوت را رعایت نمی‌کنند.⁸⁷

کمیته حقوق بشر همچنین گفته است که اصول بنیادین محاکمه عادلانه، از جمله اصل برائت، هنجارهای قطعی قوانین بین‌الملل بشمار می‌روند. این هنجارها در مورد همه کشورها در همه زمان‌ها صادق است، و کشورها در هیچ شرایطی نمی‌توانند از آن‌ها سر باز زنند. کمیته اضافه کرده است که بر اساس اصول قانونیت و حکم قانون، لوازم بنیادین محاکمه عادلانه باید در دوران حالت اضطراری رعایت شود. گرچه ایران در وضعیت اضطراری به سر نمی‌برد، این نظر کمیته نشان دهنده اهمیت حاکمیت قانون، قانونیت و محاکمه عادلانه در همه زمان‌ها است.⁸⁸

3-4- کشتن و دستگیری به وسیله نیروهای امنیتی

پس از حمله به کاروان اتومبیل در دسامبر 2005، که در آن هشت مسئول امنیتی به گروگان گرفته شدند، «واقعه تاسوکی» در مارس 2006، و حمله در کرمان در مه 2006، عفو بین‌الملل این اطلاعات را در مورد نقض حقوق بشر یا خشونت‌هایی که ممکن است علیه بلوچ‌ها به کار رفته باشد دریافت کرده است:

- سه نوجوان -- عبدالله نوتی زهی 15 ساله، روح‌الله نوتی زهی 16 ساله و مسعود شه‌بخش 18 ساله -- به وسیله مأموران امنیتی ایران اندکی پس از ساعت 9 بعدازظهر 22 ژانویه 2006 به ضرب گلوله در زاهدان کشته شدند. آنان با موتورسیکلت از ملاقات عمویشان در بیمارستان باز می‌گشتند که در خیابان خرمشهر از سوی مأمورانی که در یک اتومبیل حرکت می‌کردند زیر آتش قرار گرفتند. آن‌ها مجروح در خیابان افتادند و دو باره از سوی مأموران به آنان شلیک شد. عبدالله نوتی زهی و مسعود شه‌بخش در محل جان سپردند، و روح‌الله نوتی زهی به بیمارستان منتقل شد ولی بعد درگذشت.



مولوی عبدالرحمان رجبی
© www.sunnionline.ir

- مولوی عبدالرحمان رجبی، مؤذن سنی مسجد مکی در زاهدان بر اساس گزارش در 14 مه 2006، روز بعد از حادثه کرمان که در آن 12 غیر نظامی کشته شدند و حکومت جندالله را مسئول آن دانست، به وسیله یک مأمور حفاظت بسیج تحت تیراندازی قرار گرفت. او حدود ساعت 3:10 دقیقه صبح از کنار ساختمان بسیج در خیابان خیام می‌گذشت تا برای اذان گفتن به مسجد برود که به سوی او تیراندازی شد. در عین این که پاسدار مربوطه از فاصله چندمتری تیراندازی کرده بود، او مجروح نشد. بعداً، او به فرمانده

⁸⁷ Human Rights Committee: General Comment No. 13: Equality before the courts and the right to a fair and public hearing by an independent court established by law, 13 April 1984.

⁸⁸ Human Rights Committee: General Comment 29: States of Emergency, CCPR/C/21/Rev.1/Add.11, 31 August 2001, paras. 11 and 16.

محلی بسیج و مرکز بسیج شکایت کرد و خواست که این حادثه مورد تحقیق قرار گیرد، ولی از این که او پاسخی گرفته باشد خبری نیست.⁸⁹

• در مه 2006، گزارش رسید که دست کم 10 نفر به وسیله مأموران امنیتی ایران کشته شده‌اند. پس از کشته شدن 12 غیر نظامی در استان کرمان در 13 مه، بنا به گزارش، مأموران امنیتی ایران یک عملیات ضد شورشی در نواحی بلوچ‌نشین نزدیک بم و نصرت‌آباد، شامل حملات هوایی با هلیکوپترهای جنگی به راه انداختند. در 17 مه، معاون استانداری کرمان اعلام کرد که در مرز استان‌های کرمان و سیستان و بلوچستان «چهار گردان عملیاتی نیروی انتظامی و برخی از واحدهای نظامی و امنیتی، تروریست‌ها را محاصره کرده‌اند».⁹⁰ روز پیش از آن، فرماندار بم اعلام کرده بود که در جریان عملیات هوایی دست کم 10 نفر که در حمله 13 مه دست نداشته‌اند کشته شدند،⁹¹ و منابع بلوچی گزارش دادند که دست کم 18 نفر که بیشتر آنان کشاورز یا چوپان بوده‌اند، با آتش هلیکوپترهای جنگی کشته شده‌اند.⁹²

• پس از واقعه موسوم به تاسوکی، گروه‌های اپوزیسیون بلوچ ادعا می‌کنند که بیش از 200 نفر به وسیله نیروهای امنیتی ایران بازداشت و به نقاط نامعلومی منتقل شده‌اند، مسئله‌ای که در مورد سلامتی آنان نگرانی ایجاد کرده است. بیانیه‌های رسمی حاکی از آن است که بیش از 100 نفر در استان سیستان و بلوچستان در هفته‌های آغازین سال نو ایرانی که از 21 مارس 2006 آغاز شد دستگیر شده‌اند. برای مثال، در 9 ماه مه محسن صادقی، معاون استانداری استان سیستان و بلوچستان به ایسنا گفت که 124 نفر از آغاز سال به دلیل «جرائم راهبندی مسلحانه، آدم‌ربایی، سرقت و قتل مسلحانه» در این استان دستگیر شده‌اند.⁹³ همان مقاله گزارش داد که سر تیپ جواد حامد، فرمانده نیروی انتظامی استان از دستگیری دو نفر -- به نام‌های رضا الف 20 ساله و امان‌الله ز 35 ساله - به دلیل مظنونیت به «همکاری با گروهک تروریستی» مسئول حمله تاسوکی خبر داده است. در آوریل 2007، وزیر کشور گفت که 40 عضو «گروهک تروریستی جاده زابل-زاهدان [تاسوکی]» شناسایی و 17 تن از آنان اعدام شده یا در جریان عملیات و درگیری‌ها کشته شده‌اند. او همچنین گفت، «وزارت کشور قبول دارد که در موضوع حادثه تاسوکی در جاهایی تغلل شده است، به طوری که مسئولان پاسگاه نزدیک به وقوع این حادثه به دلیل این تغلل به دادگاه معرفی شدند، که چند نفر آنها محکوم و چند نفر نیز در حال محاکمه هستند»⁹⁴

عفو بین‌الملل در باره همه این موارد در نامه‌ای خطاب به مقامات ایران در دسامبر 2006 استفسار کرده است و در مورد هر تحقیقی که احیاناً در باره چهار مورد اول انجام گرفته خواستار اطلاعات شده است. سازمان همچنین جزئیات مربوط به هر فردی را که در رابطه با وقایع استان سیستان و بلوچستان بازداشت

⁸⁹ http://sunnionline.ir/fa/?id=1&browse.page=all.txt&content=620&_vti_cnf=1/200605140109

⁹⁰ Fars News agency 17 May 2007

⁹¹ European-based internet newsservice *Rooz*, 16 May 2007

⁹² تصاویر کسانی را که گفته می‌شود در این حمله کشته شده‌اند می‌توان در سایت زیر دید.

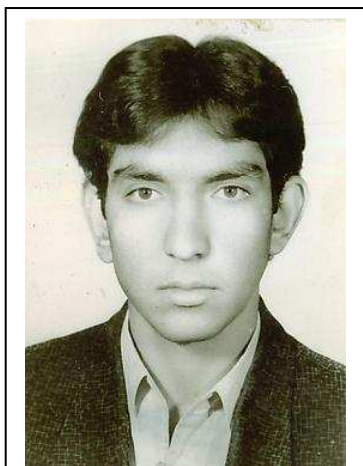
<http://www.balochpeople.org/eng/2006/Jun/IranianAtrocities-Pic.htm>

⁹³ Iran daily website, 9 May 2006

⁹⁴ Fars News Agency website, 24 April 2007

گردیده خواستار شده و از مقامات ایران خواسته است که به همه بازداشتیان اجازه داده شود که به خانواده‌ها و وکیل مورد انتخاب خود و هر گونه درمان پزشکی لازم دسترسی داشته باشند و سریعاً و عادلانه به خاطر جرایم شناخته شده کیفری تحت محاکمه قرار گیرند یا آزاد شوند.

پس از بمب‌گذاری‌های دسامبر 2006 در زاهدان و بمب‌گذاری در اتوبوس در فوریه 2007، مقامات از ده‌ها دستگیری خبر دادند. برای مثال، در 12 آوریل 2007، کیهان گزارش داد که وزیر کشور از دستگیری 90 عضو ادعایی جندالله در نزدیک مرز پاکستان خبر داده است که چهار تن از آنان برای حمله مسلحانه آماده می‌شدند. در 24 آوریل، وزیر کشور گفت که 174 «شرور مسلح، قاتل و دزد فراری» در جنوب و جنوب شرقی استان کرمان دستگیر شده‌اند. او گفت که شش نفر دیگر در جریان عملیات کشته شده‌اند. دست کم دو نفر پس از محکومیت به دست داشتن در بمب‌گذاری (شرح آن را در پایین ببینید) اعدام شده‌اند. منابع بلوچ می‌گویند که برخی از بازداشت‌شدگان مشمول ناپدید شدن اجباری شده‌اند. همچنین گزارش‌هایی از قتل‌های غیر قانونی به دست نیروهای امنیتی منتشر شده است.



© Radio Baloch FM
وحید میربلوچ زهی

گزارش شده است که جسد وحید میربلوچ زهی 23 ساله⁹⁵ در 13 ژوئن 2007 در زاهدان پیدا شده است. او در 14 فوریه 2007، روز حادثه بمب‌گذاری اتوبوس، پس از این که به دنبال شنیدن صدای انفجارها با اتومبیل از خانه بیرون رفت ناپدید شده بود. ظاهراً خانواده‌اش برای پیدا کردن او تلاش زیادی به عمل آوردند که بی‌نتیجه بود. بنا به گزارش، روی بدن او زخم‌هایی بوده که چنین می‌نماید که او پیش از مرگ شکنجه شده بوده است، ولی از شروع هیچ تحقیقی در این باره خبری نرسیده است. عفو بین‌الملل در اوت 2007 به مقامات ایران نامه نوشت و از آنان خواست که در مورد مرگ وحید میربلوچ زهی تحقیق به عمل آید.

بنا به گفته شاهدان عینی، در روز 16 ماه مه 2007، حدود ساعت 5:30 بعدازظهر رؤیا سارانی 11 ساله پس از خروج از امتحان در مدرسه در خیابانی در زاهدان به ضرب گلوله کشته شد. پدر او، حاج

قادر سارانی او و برادرش الیاس را با اتومبیل از مدرسه به خانه می‌برده است که افراد وابسته به بخش 19 نیروی انتظامی (که گفته می‌شود بخش اطلاعاتی است) اتومبیل پژو 405 آنها را در انتهای بولوار برق در زاهدان متوقف کردند. حاج قادر سارانی تلاش کرد به نیروی انتظامی توضیح دهد که او فقط دارد کودکانش را از مدرسه به خانه می‌برد، ولی مأموران به او هیچ توجهی نکردند و بر روی او و اتومبیل آتش گشودند. بنا به گزارش، الیاس سارانی مجروح شد و باید بستری می‌شد، ولی رؤیا سارانی در جا کشته شد. بنا به گزارش، خانواده او از سوی مقامات تحت فشار قرار گرفتند تا تشییع جنازه بی‌سروصدایی ترتیب دهند و نگذارند دیگران در آن



© Private
رؤیا سارانی

⁹⁵ http://www.radiobalochi.org/BH_Rights/Vahid_Mirbalochzahi20070613.html

شرکت کنند. خانواده او ممکن است از سوی مقامات ایرانی محل تسلیتی دریافت کرده باشند، ولی از شروع هیچ تحقیقی در باره مرگ او و زخمی شدن برادرش خبری نرسیده است. عفو بین‌الملل در ژوئیه 2007 به مقامات ایران نامه نوشت، ولی پاسخی دریافت نکرده است.

بنا به گزارش، شش عضو انجمن جوانان صدای عدالت، یک سازمان غیر دولتی شناخته شده دارای مجوز از سازمان ملی جوانان، در اوایل مه 2007 دستگیر شده‌اند. رییس انجمن، یعقوب مهرنهاد به قرار اطلاع پس از شرکت در یک جلسه در اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی استان که ظاهراً با حضور فرماندار زاهدان برگزار شده بود، دستگیر شده است.⁹⁶ معلوم نیست که آیا پنج عضو دیگر نیز در این جلسه بوده‌اند یا خیر. سه نفر از آنان (به نام‌های سنگک زهی، خانه گیر و رضا قزاق) بنا به گزارش سه روز بعد آزاد شده‌اند،⁹⁷ و ابراهیم مهرنهاد و نصیر براهوئی در حول و حوش 7 ژوئیه 2007 آزاد شدند،⁹⁸ ولی اعتقاد بر این است که یعقوب مهرنهاد همچنان در بازداشت به سر می‌برد و ظاهراً دسترسی به خانواده یا وکیلی که خود انتخاب کرده باشد ندارد. معلوم نیست که آیا به او و دیگرانی که آزاد شده‌اند تفهیم اتهام شده است یا خیر، گرچه برخی از روزنامه‌ها در ژوئیه گزارش دادند که مردی به نام یعقوب م. به ظن «کمک به عبدالملک ریگی» رهبر جندالله در بازداشت به سر می‌برد.⁹⁹



استانداردهای بین‌المللی مربوط به کاربرد قهرو دستگیری و بازداشت

برخی از این موارد چنین ایفاد می‌کند که مقامات ایران احياناً نقض استانداردهای کلیدی حقوق بشر، و مشخصاً ممنوعیت محرومیت خودسرانه از حیات، را مرتکب شده‌اند. این حق در بسیاری از استانداردهای بین‌المللی و از جمله ماده (1) 6 میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی تضمین شده است. کمیته حقوق بشر در اظهار نظری در این مورد تأکید کرده است که حق حیات یک «حق افضل است که هیچ تخطی از آن، حتی در زمان اضطرار عمومی که حیات یک ملت در خطر قرار گرفته است، مجاز نیست».¹⁰⁰ کمیته تأکید کرده است حکومت‌ها «باید اقداماتی را انجام دهند که نه فقط محرومیت از حیات از طریق اعمال جنایی را ممنوع و مجازات کنند، و بلکه مانع از کشتن خودسرانه به وسیله مأموران امنیتی خود نیز بشوند. محرومیت از حیات به وسیله مقامات یک کشور مسئله‌ای به نهایت وخیم است. بنا براین، قانون شرایطی را که ممکن است یک فرد به وسیله چنین مقاماتی از حیات خویش محروم شود باید شدیداً محدود و کنترل کند».¹⁰¹

⁹⁶ <http://www.zamanonline.blogfa.com/8602.aspx>

⁹⁷ <http://marzeporgohar.mihanblog.com/Post-104.ASPX>

⁹⁸ <http://www.taftaan.mihanblog.com/>, post dated 7 July 2007

⁹⁹ یا للثارات الحسين، 12 ژوئیه 2007. همچنین نگاه کنید به مرجع زیر :

http://bultannews.com/index.php?option=com_content&task=view&id=823&Itemid=1

¹⁰⁰ Human Rights Committee, General Comment No. 6: The right to life, 30 April 1982, para. 1.

¹⁰¹ همانجا، بند 3

اصول رفتار مأموران اجرای قانون¹⁰² (The Code of Conduct for Law Enforcement Officials) تأکید می‌کند که این مأموران موظف هستند که به حیثیت انسانی احترام بگذارند و آن را حفظ کنند، و در اجرای وظایف خود حقوق بشری همه افراد را حفظ و رعایت نمایند (ماده 2). آنان فقط در مواردی که دقیقاً لازم است و تا حدی که برای اجرای وظایف آنان لازم می‌شود می‌توانند از قهر استفاده کنند (ماده 3). اصول اولیه کاربرد قهر و اسلحه گرم به وسیله مأموران اجرای قانون (The Basic Principles on the Use of Force and Firearms by Law Enforcement Officials) ایجاب می‌کند که مأموران اجرای قانون، در انجام وظایف خود، «پیش از توسل به کاربرد قهر و سلاح گرم، باید تا آنجا که ممکن است، از ابزار غیر خشونت‌بار استفاده کنند. آنان فقط در صورتی که سایر ابزار کاراً نباشند یا هیچ تأثیری در تأمین نتیجه مورد نظر نداشته باشند، می‌توانند قهر و اسلحه گرم را به کار گیرند» (اصل 4).¹⁰³ اصول اولیه ایجاب می‌کند که کاربرد قهر یا سلاح گرم نه فقط باید قانونی بلکه اجتناب‌ناپذیر نیز باشد. در چنین موردی، مأموران اجرای قانون باید، از جمله، «الف» در کاربردی از این قبیل خودداری نشان دهند و متناسب با شدت تخلف و هدف مشروعی که تعقیب می‌شود عمل کنند؛ و «ب» صدمه و جراحت را به حداقل برسانند و به حیات آدمی احترام بگذارند و آنرا حفظ کنند» (اصل 5).

مقامات ایران همچنین موظفند که ماده 9 میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی را رعایت کنند که می‌گوید:

- 1 - هرکس حق آزادی و امنیت شخصی دارد. هیچکس را نمی‌توان خودسرانه دستگیر یا بازداشت کرد. از هیچکس نمی‌توان سلب آزادی کرد مگر به جهات و بر اساس آیین‌هایی که به وسیله قانون مقرر شده است.
- 2 - هرکس دستگیر می‌شود باید به هنگام دستگیری دلایل دستگیری‌اش به او ابلاغ شود و در اسرع وقت از هر اتهامی علیه خود آگاه گردد.
- 3 - هرکس به اتهامی کیفری دستگیر می‌شود باید در اسرع وقت در محضر قاضی یا هر مقام دیگری که بر اساس قانون مجاز به اعمال اختیارات قضایی است آورده شود، و باید در مدت معقولی محاکمه گردد یا آزاد شود.

4 - 4 - مجازات مرگ

احکام مرگ، که عمدتاً برای قاچاق مواد مخدر و سرقت مسلحانه، راهزنی و آدم‌ربایی صادر شده، برای سالیان درازی در مناطق بلوچ‌نشین گزارش شده است. ولی در سال 2006، تعداد بلوچ‌های اعدام‌شده، عمدتاً به این اتهامات، افزایش شدیدی داشته است.

¹⁰² Adopted by General Assembly resolution 34/169 of 17 December 1979.

¹⁰³ Adopted by the Eighth United Nations Congress on the Prevention of Crime and the Treatment of Offenders, Havana, Cuba, 27 August to 7 September 1990.

در 2005، شش مورد از مجموع 94 اعدامی که عفو بین‌الملل از سراسر ایران ثبت کرده است احتمالاً بلوچ بشمار می‌آمدند. در ژانویه و فوریه 2006، پیش از «واقعه تاسوکی»، عفو بین‌الملل چهار مورد اعدام مردانی را که بلوچ بوده یا ممکن است بلوچ بوده باشند ثبت کرده است. در ماه مه، پس از انتصاب حجت‌الاسلام ابراهیم نکونام به دادگستری استان و به دنبال تأسیس «دادگاه ویژه جرایم امنیتی» (نگاه کنید به بخش 2-4 در بالا) اعدام بلوچ‌ها شروع به افزایش کرد. تا پایان سال 2006، دست کم 32 نفر و احیاناً بیش از 50 نفر بلوچ بنا به گزارش‌ها اعدام شده بودند. آن‌هایی که اصلیت قومی‌شان مشخص نبوده ولی ممکن است بلوچ بوده باشند، غالباً به اتهام جرایم قاچاق مواد مخدر، راهزنی مسلحانه و آدم‌ربایی در مناطقی که دارای جمعیت بزرگی از بلوچ‌ها است اعدام شده‌اند. در هر صورت، تعداد واقعی اعدام‌شدگان احتمالاً بسیار بیشتر بوده است.

مقامات همچنین در روزهای پس از بمب‌گذاری‌ها به اعدام بلوچ‌ها در ملأ عام دست زده‌اند. برای مثال، سه مرد در 24 دسامبر 2006 در میدان کارگر زاهدان در ملأ عام اعدام شدند. محمد شهبخش به «خرابکاری و اعمال جنایتکارانه از طریق مشارکت در سرقت مسلحانه، ایجاد رعب و وحشت، به هم زدن آرامش، شرارت مسلحانه، و همراه داشتن 220 کیلوگرم تریاک و فروش هفت کیلوگرم تریاک» متهم شده بود. چنگیز نارویی به «خرابکاری و اعمال جنایتکارانه از طریق بستن جاده‌ها به منظور سرقت مسلحانه، ایجاد رعب و وحشت، دزدی اموال مردم، استفاده از اسلحه و مهمات غیرمجاز، و ارتکاب دو فقره قتل غیر عمد» متهم شده بود. اتهام مرد سوم، علی باقری به همراه داشتن بیش از 16 کیلوگرم هروئین بود. هر سه تن در شعبه اول دادگاه انقلاب زاهدان مجرم شناخته شده بودند و حکم مرگ آنان در دیوان عالی کشور تأیید شده بود.¹⁰⁴

دو مرد دیگر در روز بعد در زاهدان اعدام شدند: پُردل ب. به اتهام قتل در حین درگیری و دست داشتن در قاچاق مسلحانه 15 کیلوگرم تریاک مجرم شناخته شده بود، و جرم یوسف ح. 11 مورد آدم‌ربایی مسلحانه به اضافه شرارت اعلام شده بود.¹⁰⁵ عفو بین‌الملل از این که این مردها به هر عنوانی با بمب‌گذاری‌ها ارتباطی داشته‌اند، اطلاعی ندارد. در گذشته، اعدام‌های علنی بلافاصله پس از ناآرامی‌های عمومی در سایر مناطق اقلیت‌نشین صورت می‌گرفت، و فعالان اپوزیسیون گفته‌اند که این کار برای جلوگیری از ناآرامی‌های بیشتر در منطقه انجام می‌شده است.¹⁰⁶

تا اوت 2007، عفو بین‌الملل گزارش مربوط به اعدام 50 بلوچ را، از مجموع 166 اعدام در سراسر کشور از آغاز سال، دریافت کرده که به استثنای یکی از آن‌ها همگی پس از بمب‌گذاری اتوبوس در فوریه

¹⁰⁴ Iranian Labour News Agency (ILNA) 24 December 2006.

¹⁰⁵ Iranian Students' News Agency (ISNA) 25 December 2006.

¹⁰⁶ در 21 آوریل 2006، دکتر چهرگانی، یک آذربایجانی نامزد انتخابات مجلس سال 1996، همراه با 40 نفر از هوادارانش دستگیر شد. او پس از سه روز آزاد گردید، ولی اعتراضات تا 15 مه ادامه داشت، و در آن روز پنج مرد جوان بیست و اندی‌ساله از جرئت‌فروشی در ملأ عام در خیابان به دار آویخته شدند. مقامات گفتند که آنان به قاچاق مواد مخدر مجرم شناخته شده بودند، ولی دکتر چهرگانی معتقد بود که انگیزه اعدام علنی، اتهامات هرچه که بوده، سرکوب تظاهرات بوده است. نگاه کنید به گزارش زیر:

Human Rights Watch, Iran: Religious and Ethnic Minorities: Discrimination in Law and Practice
http://www.hrw.org/reports/1997/iran/Iran-06.htm#P397_84566

رخ داده است. منابع بلوچ می‌گویند که پس از این که عفو بین‌الملل و دیگران توجه عموم را به افزایش اعدام بلوچ‌ها پس از بمب‌گذاری اتوبوس زاهدان جلب کردند، و به دنبال نشر مصاحبه‌ای با نماینده مجلس حسینی شهریار در روزنامه عیاران¹⁰⁷ در 17 مارس 2007، مقامات ایران انتقال بلوچ‌ها به استان‌های دیگر ایران برای اعدام را آغاز کرده‌اند. در مصاحبه یادشده، او گفته بود 700 نفر در استان سیستان و بلوچستان در انتظار اعدام به سر می‌پرند که حکم اعدام آنان از سوی دیوان عالی کشور تأیید شده است. از جمله، منابع بلوچ به اعلامیه نیمه مه 2007 که می‌گوید در ده روز گذشته، 15 مرد ناشناس در مشهد اعدام شده‌اند،¹⁰⁸ و به گزارش اعدام چهار مرد ناشناس در بیرجند، خراسان جنوبی، در حول و حوش 27 مه 2007 استناد می‌کنند. در فقدان دسترسی به ایران، برای عفو بین‌الملل غیر ممکن است تأیید کند که کسانی که در مشهد و بیرجند اعدام شده‌اند در واقع بلوچ‌هایی بودند که از استان سیستان و بلوچستان منتقل شده بودند.

در همان مصاحبه، و با اشاره به سؤالی در باره 40 اعدام که در 9 ماه گذشته در استان صورت گرفته است حسینی شهریار گفت:

«تمام افرادی که اعدام شدند کسانی بودند که یا قتل نفس انجام دادند که حکمش در اسلام اعدام است و یا گروگانگیری مسلحانه کردند که آن هم در تمامی مذاهب از نظر فقهی حکمش اعدام می‌باشد.»

مجازات مرگ در ایران

بر اساس قوانین ایران، افراد ممکن است به خاطر برخی از جرایمی که در حدود تعیین شده (جرایم ضد خداوند بنا به تعریف قوانین اسلامی) و برخی از جرایم تعزیری (جرایمی که مجازات آن‌ها در اسلام تعیین نشده است) به مرگ محکوم شوند.

جرایم مستوجب اعدام تحت عنوان حدود از جمله شامل موارد زیر است: زناى محصنه؛ زناى با محارم؛ زناى به عنف، زناى غير محصنه برای دفعه چهارم، با فرض این که شخص برای هر يك از دفعات پیشین مجازات شده باشد؛ شرابخواری برای بار سوم، با فرض این که شخص برای هر يك از دفعات پیشین مجازات شده باشد؛ «لواط»؛ ارتباط همجنسی بدون دخول (تفخیز) برای دفعه چهارم، با فرض این که شخص برای هر يك از دفعات پیشین مجازات شده باشد؛ مساحقه برای دفعه چهارم، با فرض این که شخص برای هر يك از دفعات پیشین مجازات شده باشد؛ زناى مرد نامسلمان با زن مسلمان؛ و اتهام کذب زنا یا «لواط» برای دفعه چهارم، با فرض این که شخص برای هر يك از دفعات پیشین مجازات شده باشد¹⁰⁹.

¹⁰⁷ روزنامه عیاران پس از آن به دستور حجت الاسلام مکنونام بسته شده است.

¹⁰⁸ Quds newspaper 14 May 2007

¹⁰⁹ از دید عفو بین‌الملل جرم شناختن روابط جنسی خصوصی مرضی الطرفین يك نقض صریح حقوق بشر، از جمله نقض حق زندگی خصوصی، آزادی از تبعیض و آزادی بیان و اجتماع بشمار می‌رود، که در اعلامیه جهانی حقوق بشر، میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی از آنها دفاع شده است.

قانون حدود همچنین حکم اعدام را یکی از چهار مجازات ممکن برای کسانی می‌داند که به تخلفات مبهم «محاربه» و «افساد فی الارض» مجرم شناخته شوند.¹¹⁰ این عبارات در قانون مجازات به صورت «هر کس که برای ایجاد رعب و هراس و سلب آزادی و امنیت مردم دست به اسلحه ببرد محارب و مفسد فی الارض می‌باشد» بیان شده است. مواد دیگر قانون مشخص می‌کند که کسانی که به سرقت مسلحانه، قطع الطریق با اسلحه، عضویت در یا حمایت از سازمانی که براندازی جمهوری اسلامی را دنبال میکند، و توطئه برای براندازی جمهوری اسلامی از طریق خرید اسلحه به این منظور، محارب شناخته می‌شوند. در مواد دیگر مربوط به جرایم تعزیری و سایر قوانین، مواردی از جمله جاسوسی و تشکیل گروه برای ضربه زدن به امنیت کشور مشخص شده که مرتکب ممکن است محارب شناخته شود. فساد در زمین در بقیه قسمت حدود در قانون مجازات تعریف نشده است، ولی قوانین دیگری این امکان را مطرح کرده که جرایم بخصوصی در شرایط خاصی ممکن است در این مقوله قرار گیرند: از جمله، جرایمی مانند فساد اقتصادی، اختلاس، قاچاق مکرر مواد مخدر، حمل اسکناس، احتکار و گرانفروشی.

ظاهراً قاضیان در تصمیم‌گیری در مورد این که آیا يك جرم خاص این قدر سنگین است که آن را در ردیف موارد یادشده قرار دهد و از این رو به جای زندان یا مجازات‌های دیگر بتوان حکم اعدام در مورد آن صادر کرد، دستی خیلی باز دارند.

از آن جا که جرایم مستوجب حدود جنایتی علیه حق‌الله به حساب می‌آیند، مقام رهبری نمی‌تواند به توصیه رییس قوه قضاییه همانند احکام تعزیری آن‌ها را عفو کند. ولی در مورد زنا، «لواط»، همجنس‌بازی بدون دخول، و مساحقه، اگر شخص به جرم اقرار و توبه کند (در ملاعماً از خدا آمرزش بخواهد)، قاضی پرونده میتواند از مقام رهبری عفو او را تقاضا کند یا این که بر اجرای حکم پافشاری کند.¹¹¹

4-5 - شکنجه و محاکمات ناعادلانه، از جمله در موارد مجازات مرگ

عفو بین‌الملل در عین آن که حقوق و مسئولیت‌های حکومت‌ها را در اجرای عدالت در باره افراد مظنون به جرایم کیفری به رسمیت می‌شناسد، با کاربرد مجازات مرگ در همه موارد مخالف است و آن را نقض حق حیات و مجازاتی به نهایت خشن، غیر انسانی و تحقیرکننده می‌داند. علاوه بر این، هر حکم اعدام که پس از يك محاکمه ناعادلانه به مرحله اجرا درآید، محروم کردن خودسرانه فرد از حق حیات بشمار می‌آید.

بر اساس قوانین حقوق بشر بین‌المللی، افراد مظنون یا متهم به جنایات منجر به مجازات مرگ حق دارند که از رعایت دقیقترین تضمین‌های محاکمه عادلانه در همه مراحل روند دادرسی، از جمله در طول مرحله تحقیق، و نیز تضمین‌های خاص بیشتری برخوردار شوند. کمیته حقوق بشر سازمان ملل گفته است که «مجازات مرگ باید کاملاً يك اقدام استثنایی باشد» و فقط پس از محاکمه‌ای که در آن همه تضمین‌های آیین دادرسی عادلانه رعایت شده است صادر شود.¹¹²

¹¹⁰ ماده 183 قانون مجازات اسلامی

¹¹¹ ماده‌های 81، 126 و 133 قانون مجازات اسلامی

¹¹² Human Rights Committee, General Comment No. 6 on the right to life, para. 7.

محاکمات ناعادلانه در ایران

در ایران، نقایص عمده‌ای در نظام قضایی معمولاً به محاکمات ناعادلانه، و از جمله در مواردی که متهمان با مجازات مرگ روبرو هستند، منجر می‌شود. این نقایص عبارتند از: فقدان دسترسی به مشاوره حقوقی و وکیل انتخابی؛ بدرفتاری در بازداشت پیش از محاکمه؛ مجاز کردن کاربرد اقرارهایی که زیر فشار گرفته شده به عنوان مدرک در جریان دادرسی؛ به کارگیری بازداشتگاه‌های خارج از نظام رسمی زندان‌ها که به کارگیری شکنجه یا بدرفتاری برای گرفتن اقرار را تسهیل می‌کند؛ سلب حق احضار شاهدان متهم؛ کمبود وقت برای این که متهم بتواند دفاع خود را ارائه کند؛ و زندانی کردن وکیلان مدافع در صورتی که آنان به ناعادلانه بودن دادرسی اعتراض کنند.¹¹³

حق متهم به داشتن مشاور حقوقی یکی از ضمانت‌های کلیدی يك محاکمه عادلانه است که در قوانین بین‌المللی¹¹⁴ گنجانیده شده و در همه مراحل دادرسی لازم‌الرعایه است، ولی این حق متناوباً در ایران نقض می‌شود. کمیته حقوق بشر و سایر نهادهای حقوق بشری پذیرفته‌اند که حق دادرسی عادلانه ایجاب می‌کند که متهم در طول بازداشت، بازجویی و تحقیقات اولیه، به وکیل دسترسی داشته باشد.

در ایران، اما، مدعی علیه فقط پس از این که تحقیقات تکمیل شد و تفهیم اتهام گردید، حق وکیل دارد. نتیجه این کار، بازداشت‌های انفرادی طولانی و همچنین بازجویی‌های بدون حضور وکیل است و هر دوی اینها امکان کاربرد شکنجه یا بدرفتاری برای اخذ اقرار را تسهیل می‌کند. قانون مجازات اسلامی مشخصاً می‌گوید که در جرایم از نوع حدود یا قصاص ممکن است از اقرار به عنوان تنها وسیله اثبات جرم استفاده شود،¹¹⁵ امری که خطر محکوم شدن ناعادلانه متهم را بر اساس اقرارهایی که آزادانه داده نشده است بالا می‌برد. وکلا می‌توانند در هنگام تفهیم اتهام حضور یابند، ولی نمیتوانند تا پس از پایان این مرحله سخن بگویند. در مورد پرونده‌های «حساس»، قاضی می‌تواند وکیل را از حضور در جریان دادرسی که به صدور حکم منجر می‌شود منع کند.¹¹⁶ اگر مدعی علیه توانایی مالی تعیین وکیل را نداشته باشد، دادگاه برای او وکیل تعیین می‌کند.

گروه کاری سازمان ملل در مورد بازداشت خودسرانه (The UN Working Group on Arbitrary Detention) در گزارشی از دیدار خود در ایران در فوریه 2003 «فقدان فرهنگ مشاور حقوقی، که به شدت به روند عدالت صدمه می‌زند» را مورد توجه قرار داد: «... گروه توجه کرد که بسیاری از زندانیان عادی هیچ تصویری از نقش وکیل ندارند و تقاضای وکیل تسخیری نکرده‌اند. وکیلان تسخیری در هر صورت بسیار معدود هستند و به خاطر دستمزد پایین عمدتاً انگیزه‌ای ندارند. در مورد انتخاب وکیل از

¹¹³ Report of the Working Group on Arbitrary Detention, 27 June 2003, E/CN.4/2004/3/Add.2.

¹¹⁴ For example, Article 14 of the ICCPR.

¹¹⁵ سایر راه‌های اثبات جرم از جمله، شهادت شاهدان یا علم قاضی که «از طرق متعارف حاصل شود» را در بر می‌گیرد.

¹¹⁶ ماده 15 آیین دادرسی کیفری

سوی زندانیان سیاسی، این مسئله به دلیل افزایش خطر اذیت و آزار به صورت فزاینده‌ای مشکل شده است.¹¹⁷

استانداردهای بین‌المللی محاکمه عادلانه (نگاه کنید به کادر مربوطه در زیر) از جمله حق دادرسی علنی، حق محاکمه به وسیله یک دادگاه صالح، مستقل و بی‌طرف، حق این که کسی به اقرار به جرم مجبور نشود، و حق برابری در مقابل قانون و دادگاه را شامل می‌شود.

در ایران، قاضی اگر تشخیص دهد که محاکمه‌ای «منافی عفت عمومی یا نظم عمومی»¹¹⁸ است می‌تواند آن را غیر علنی کند. در پرونده‌هایی که به امنیت ملی یا «فساد»¹¹⁹ مربوط می‌شود، دسترسی وکیلان به موکلانشان در گرو اجازه قاضی است. محاکماتی که در دادگاه‌های انقلاب برگزار می‌شود تقریباً همیشه غیر علنی است و روند آن نیز سریع انجام می‌شود.

قواعد اثبات جرم در ایران بر اساس اصل برائت که در قانون اساسی آمده بنیان شده است. ولی، کاربرد این اصل با توجه به اهمیتی که دادگاه‌های ایران برای اقرار قایل هستند، بسیار محدود است.¹²⁰

حق دادرسی در یک دادگاه صالح، مستقل و بی‌طرف، به دلیل فقدان استقلال ساختاری تضمین شده قوه قضاییه در قانون اساسی، در ایران تضعیف شده است. همچنین، بین بازپرس، دادستان، و قاضی در برخی از نقاط کشور تفکیک اختیارات وجود ندارد. در سال 1994، در هنگام اصلاح دادگاه‌های عمومی و انقلاب این نقش‌ها به عهده قاضی مسئول پرونده مورد رسیدگی گذاشته شد. در 2002، نقش دادستانی دوباره به دادگاه‌های عمومی و انقلاب برگشت.¹²¹ ولی، به هنگام نوشتن این گزارش، به نظر می‌رسد که این وضع در همه کشور به اجرا در نیامده است. دست کم در برخی از نقاط خارج از شهرهای بزرگ، نقش بازپرس، دادستان و قاضی همچنان در هم ادغام شده است: قاضی هم در باره ادعاها تحقیق می‌کند و هم کار دادستان را انجام می‌دهد و بعد هم حکم صادر می‌کند، و در نتیجه دادرسی بیطرفانه را ناممکن می‌سازد.

گزارش‌هایی حاکی از محاکمات سریع، بخصوص در دادگاه‌های انقلاب در استان‌ها، از جمله سیستان و بلوچستان، پیوسته به عفو بین‌الملل می‌رسد حاکی از این که مدعی‌علیه‌ها با یک قاضی سر و کار دارند که از آنان یک بازجویی کوتاه بدون حضور وکیل انجام می‌دهد و بعد در مورد آنان حکم صادر می‌کند.

پنج روز پس از انفجار اتوبوس در زاهدان در فوریه 2007، مقامات اعدام نصرالله شنبه‌زهی را اعلام کردند. او که چند ساعت پس از بمب‌گذاری دستگیر شده بود، در محل بمب‌گذاری در ملاً عام به دار آویخته شد. گفته شده است که پس از این که «اقرار» تلویزیونی او روز بعد از بمب‌گذاری پخش شده، او در یکی

¹¹⁷ Report of the Working Group on Arbitrary Detention, 27 June 2003, E/CN.4/2004/3/Add.2,p.15.

¹¹⁸ ماده 165 قانون اساسی

¹¹⁹ ماده 128 آیین دادرسی کیفری

¹²⁰ Report of the Working Group on Arbitrary Detention, 27 June 2003, E/CN.4/2004/3/Add.2

¹²¹ برای یک بررسی در باره فقدان استقلال قوه قضائیه و نقش قاضیان به گزارش عفو بین‌الملل تحت عنوان ایران: یک نظام حقوقی که از حفاظت از آزادی بیان و اجتماع قاصر است. AI Index MDE: 13/045/2001

از شعب دادگاه انقلاب محاکمه و محکوم شده است. او به «ترور مأموران نیروی انتظامی»، «انفجار اتوبوس حامل اعضای سپاه پاسداران انقلاب»، «مشارکت در قتل دو شهروند»، و «سرقت از بانک رفاه کارگران»¹²² مجرم شناخته شده بود. تصاویر اعدام او را می‌توان در اینترنت دید.¹²³ در یکی از این تصاویر، موقعی که طناب را به دور گردنش می‌اندازند، جای یک زخم به خوبی بالای چشم راستش پیدا است. بنا به گزارش، او در «اعترافاتش» گفته است که سه ماه پیشتر صرفاً به دلایل مالی به جندالله پیوسته است. منابع بلوچ گفته‌اند که او چون با تلفن همراهش مشغول گرفتن تصویر از اتوبوس بوده دستگیر شده است.

اطلاعات دیگری در باره محاکمه او در دست نیست، ولی منابع بلوچ می‌گویند که او، مانند بسیاری از بلوچ‌های بازداشت شده دیگر، به وکیل دسترسی نداشته است. معلوم نیست که آیا او در دادگاه ویژه جرایم امنیتی محاکمه شده است، ولی این امر محتمل به نظر می‌رسد. بنا بر قوانین ایران، همه احکام مرگ قابل فرجام‌خواهی است، و پیش از اجرا بایستی به وسیله دیوان عالی کشور تأیید شود. سرعتی که در اعدام نصرالله شنبه‌زهی به کار رفته است، تصاویری که گویای آن است که او پیش از اعدام زخمی شده، و «اعترافات» تلویزیونی، تردیدهای شدیدی را نسبت به رویه قضایی دنبال شده ایجاد کرده است. حتی او اگر وکیل می‌داشت، که محل شک است، بعید است که وکیلش برای دفاع از او وقت کافی می‌داشت. به نظر می‌آید که برای گرفتن «اقرار»، ممکن است او را شکنجه کرده باشند. پس از محکومیت، به نصرالله شنبه‌زهی مهلتی داده نشده است تا بتواند به صورت معناداری از حق خود برای تقاضای تجدید نظر در حکم استفاده کند - بنا بر قوانین ایران، متهمان معمولاً 20 روز از صدور حکم برای درخواست تجدیدنظر فرصت دارند - و دیوان عالی کشور نیز به نظر نمی‌رسد که وقت کافی برای بازنگری کامل واقعیت‌ها و کیفیت دادرسی در مورد این پرونده داشته است، حتی اگر طبق الزام قوانین ایران در حقیقت دیوان عالی کشور این پرونده را بازنگری کرده باشد.

سعید قنبرزهی، بلوچ، در 27 ماه مه 2007 در زندان زاهدان به دار آویخته شد. او در سن 17 سالگی، به رغم ممنوعیت مطلق بین‌المللی اعدام کودکان بزه‌کار، با شش مرد بلوچ دیگر -- جواد ناروئی، مسعود نصرت‌زهی، هوشنگ شهنوازی، یحیی سهراب‌زهی، علیرضا براهوئی و عبدالبک کهرزهی (که به نام عبدالملک نیز شهرت دارد) -- در مارس 2007 به مرگ محکوم شده بود.¹²⁴ اطلاعاتی که به عفو بین‌الملل رسیده حاکی از آن است که این هفت نفر ممکن است به خاطر نسبت خانوادگی با اشخاص مظنون به دست داشتن در انفجار اتوبوس در فوریه دستگیر شده باشند.

بنا به گزارش رسانه‌ها، سعید قنبرزهی و شش نفر دیگر همه در تلویزیون دولتی ایران به یک سلسله از جرایمی که ادعا شده در ایالت سیستان و بلوچستان اتفاق افتاده، از جمله دزدی اتومبیل و حملاتی مانند انفجار در جلو اداره استانداری «اقرار کرده‌اند». این «اعترافات»، جندالله را به این جرایم و همچنین حمله به اتوبوس ارتباط داده است.¹²⁵ گزارش‌هایی حاکی از آن است که «اقرارکنندگان» به اشکال مختلف، از

¹²² ILNA, 19 February 2007.

¹²³ See for example <http://www.balochpeople.org/farsi/2007/feb/EdameShanbezhai.htm>

¹²⁴ برای یک بررسی مفصل‌تر در باره نقض‌های مستمر در این باره به گزارش عفو بین‌الملل تحت عنوان *ایران: آخرین اعدام‌کننده کودکان* (AI Index: MDE 13/059/2007), June 2007. مراجعه کنید.

¹²⁵ تلویزیون استان سیستان و بلوچستان، 17-15 مه 2007

جمله شکستن استخوان‌های دست و پا، «داغ شدن» به وسیله میله آهنی داغ، و سوراخ کردن دست و پا با مته برقی و تکه تکه کردن ماهیچه‌های آن‌ها، شکنجه شده‌اند.

بنا به گزارش تلویزیون دولتی ایران، سعید قنبرزهی در 11 مارس 2007 محاکمه شده است. در گزارش گفته شد که او در دادگاه علنی با حضور بازماندگان قربانیان ادعایی او محاکمه شده است. او به قتل، شرکت در يك بمب‌گذاری در جلو اداره استانداری در دسامبر 2006 و نگهداری از گروگان‌ها در پاکستان در سال 2006 متهم شده بود.¹²⁶ اطلاعاتی از این که او به وکیل دسترسی داشته باشد در دست نیست.

به هنگام تهیه این گزارش (اوت 2007) اعتقاد بر این است که شش مرد دیگر بدون دسترسی به وکیل یا خانواده‌هایشان در انتظار اعدام به سر می‌برند

استانداردهای حد اقل محاکمه عادلانه

حفاظت‌های ایمنی سازمان ملل تضمین‌کننده حفظ حقوق کسانی که با مجازات مرگ روبرو هستند می‌گوید که مجازات اعدام «فقط به دنبال يك حکم نهایی که از سوی دادگاه صالحی پس از يك دادرسی قانونی که در آن همه حفاظت‌های ایمنی برای تضمین يك محاکمه عادلانه و دست کم در حد آن چه که در ماده 14 میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی آمده است تأمین شده باشد، می‌تواند به مرحله اجرا درآید». این‌ها عبارتند از:

حق محاکمه علنی در يك دادگاه صالح و بی‌طرف

ماده (1) 14 میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی می‌گوید که هرکس حق دادرسی علنی در يك دادگاه صالح، مستقل و بی‌طرف تشکیل شده بر اساس قانون را دارد.

به مقتضای اصل 5 اصول اولیه سازمان ملل در مورد استقلال قوه قضائیه، قوه قضائیه باید بدون نفوذ سایر قوای کشور تصمیم‌گیری کند. اصول اولیه همچنین می‌گوید که هرکس حق دارد «در دادگاه‌ها یا محاکم عادی که رویه‌های رایج قانونی را به کار نمی‌گیرند، محاکمه شود. دادگاه‌هایی که رویه‌های رایج مناسب دادرسی قانونی را به کار نمی‌گیرند نباید به جای دادگاه‌های یا محاکم قضایی عادی و برای جایگزینی صلاحیت متعلق به آن‌ها ایجاد شوند».

استانداردهای بین‌المللی، از جمله ماده (1) 14 میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی همچنین ایجاب می‌کنند که حق برخوردای از دادرسی علنی باید عموماً تضمین شود، و فقط در شرایط استثنایی محدود گردد. اصل برابری در برابر دادگاه‌ها و دادرسی‌ها يك اصل بنیادی در قوانین بین‌المللی برای تضمین محاکمه عادلانه است.

¹²⁶ تلویزیون استان سیستان و بلوچستان، 12 مارس 2007

حق دسترسی سریع به وکیل و حق آماده کردن دفاع کافی

ماده (3) 14 میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی می‌گوید: «هرکس به ارتکاب جرمی متهم شود، دست کم حق تضمین‌های زیر را با تساوی کامل خواهد داشت ... (ب) مهلت و تسهیلات کافی برای تهیه دفاع خود و ارتباط با وکیل منتخب خود داشته باشد.» حق بازداشت‌شدگان برای کمک گرفتن از وکیل در صورت تفهیم اتهام، در اصول اولیه سازمان ملل در مورد نقش وکیلان نیز تثبیت شده است. اصل 6 مشخصاً بر این نکته انگشت می‌گذارد که افراد متهم به جنایات سنگین باید به وکیلی دسترسی داشته باشند دارای «تجربه و توانایی متناسب با نوع جرم» که در شرایطی که متهم نتواند هزینه آن را پرداخت کند باید به رایگان در اختیار او قرار بگیرد.

حق تجدید نظر خواهی

ماده (5) 14 میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی می‌گوید: «هرکس به جرمی مقصر شناخته شود از این حق برخوردار است که مجرمیت و محکومیت او در يك دادگاه عالی‌تر مورد بازنگری قرار گیرد.»

حق عدم الزام به شهادت علیه خود یا اقرار به جرم

ماده (ز) (3) 14 میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی می‌گوید که هرکس از این حق برخوردار است «که به شهادت علیه خود و یا اقرار به جرم مجبور نشود». علاوه بر این، حفاظت‌های ایمنی سازمان ملل تضمین‌کننده حفظ حقوق افراد در معرض مجازات مرگ¹²⁷ می‌گوید که: «4 - مجازات اعدام فقط در مواردی می‌تواند صادر شود که جرم فرد متهم بر اساس شواهد روشن و قانع‌کننده‌ای بنا شده باشد که جایی برای توضیح دیگری از واقعیت باقی نگذارد.» ماده 7 میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی نیز می‌گوید که «هیچ کس نباید در معرض شکنجه یا رفتار یا مجازات خشن، غیر انسانی یا تحقیرکننده قرار بگیرد». همچنین منع کاربرد بازداشت انفرادی طولانی بدون تماس، بدون ارتباط با خانواده و وکیل به همین موضوع مربوط است. کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل گفته است که: «بازداشت انفرادی طولانی بدون تماس ممکن است ارتکاب شکنجه را تسهیل کند و خود نیز می‌تواند نوعی رفتار خشن، غیر انسانی یا تحقیرکننده یا حتی شکنجه بشمار آید.»

ماده (2) 6 میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی همچنین مقرر می‌دارد که «حکم اعدام را فقط می‌توان در مورد سنگین‌ترین جنایات صادر کرد»، و بنا به توضیح چندین قطعنامه سازمان ملل «سنگین‌ترین جنایات» نمی‌تواند از «جنایات عمدی با عواقب مرگبار یا شدیداً وخیم» فراتر رود.

¹²⁷ Approved by Economic and Social Council resolution 1984/50 of 25 May 1984

5 - توصیه‌ها

به مقامات ایران

در مورد مجازات مرگ

- همه احکام مرگ را تخفیف دهید.
- اعدام‌ها را متوقف کنید.
- تمام قوانین کشور را که بر مبنای آنها حکومت می‌تواند يك فرد محکوم را بکشد، تحت بازنگری قرار دهید با این هدف فوری که به تدریج دامنه مجازات مرگ محدود شود، و با این دیدگاه که سرانجام مجازات مرگ لغو شود.
- تمام قوانین کشور را برای اطمینان از این که هرکس با اعدام پس از محاکمه به دست حکومت روبرو است، بر اساس تعهدات ایران بر مبنای ماده (4) 6 میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، بتواند تقاضای عفو یا تخفیف مجازات بکند، و فرصت و وقت کافی برای این کار داشته باشد، تحت بازنگری قرار دهید.
- تمام قوانین و آیین‌نامه‌ها را، برای اطمینان از این که هیچ فردی که به هنگام جرم اتهامی کمتر از 18 سال داشته است به اعدام محکوم نگردد و اعدام نشود، مورد بازنگری قرار دهید.

در مورد شکنجه و بدرفتاری

- برای اطمینان از این که هیچ کس در ایران مورد شکنجه و بدرفتاری قرار نگیرد فوراً اقدام کنید، از جمله با قطع استفاده از دوران‌های بلندمدت بازداشت انفرادی بدون تماس که کاربرد شکنجه و سایر بدرفتاری‌ها را تسهیل می‌کند.
- در مورد همه ادعاهای مربوط به شکنجه و سایر بدرفتاری‌ها دستور تحقیق صادر کنید، عدالت را در مورد کسانی که مرتکب هر نوع سوء کردار شده‌اند اجرا کنید و صدمات قربانیان را کاملاً جبران کنید.
- به پخش «اعترافات» تلویزیونی که نقض اصل برائت و حق عدم اجبار به شهادت علیه خود یا پذیرش تقصیر بشمار می‌رود، خاتمه دهید.

در مورد مقررات امنیتی

- تمام مقررات امنیتی جاری در مناطق بلوچ‌نشین را برای اطمینان از این که آن‌ها به نقض حقوق بشر، از جمله دستگیری و بازداشت خودسرانه، شکنجه و بدرفتاری، ناپدیدشدن‌های اجباری، اعدام‌های بدون محاکمه یا سایر قتل‌های غیر قانونی منجر نشوند، بازنگری کنید.
- ترتیبی بدهید که به همه شکایات مربوط به نقض حقوق بشر به دست نیروهای امنیتی به درستی رسیدگی شود و عدالت را در مورد تمام کسانی که مقصر هستند به سرعت و به نحو عادلانه اجرا کنید.
- همه مین‌های ضد نفر، از جمله در طول مرز شرقی، را بردارید و در آینده از استفاده از آن‌ها خودداری نمایید.

در مورد محاکمات در ایران

- وضعیت «دادگاه ویژه امور امنیتی» در استان سیستان و بلوچستان، از جمله صلاحیت و رویه کار آن، را علنا روشن کنید.
- کاربرد همه دادگاه‌های ویژه در ایران، و از جمله دادگاه‌های انقلاب و دادگاه ویژه روحانیت، را مورد بازنگری قرار دهید.
- ترتیبی بدهید که همه محاکمات، از جمله در مورد پرونده‌های مستوجب اعدام، حداقل مقررات میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی را رعایت کنند.
- همه زندانی‌های عقیدتی را آزاد کنید.
- برای همه زندانیان سیاسی، از جمله بلوچ‌ها، دستور محاکمه مجدد عادلانه در دادگاه‌های عادی یا آزادی صادر کنید.

در مورد تبعیض

- برای اطمینان از این که همه جوامع اقلیت ایران از حقوق کامل مدنی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خود برخوردار شوند، اقدامات مؤثر انجام دهید و دستورالعمل صادر کنید.

- تمام قوانین کشور را به منظور از بین بردن همه مقررات تبعیض‌آمیز یا تبعیض‌آور نسبت به اقلیت‌های مذهبی یا قومی و سایر جوامع اقلیت، مانند معیار تبعیض‌آمیز گزینش حاکم بر استخدام و کار دولتی، تحت بازنگری قرار دهید.
- به تخلیه اجباری و هر سیاست سلب مالکیت زمین یا انتقال جمعیت که تبعیض‌آمیز بوده یا با قوانین و استانداردهای حقوق بشر بین‌الملل در تضاد باشد، خاتمه دهید.
- ترتیبی دهید که هر تخلیه‌ای فقط به عنوان آخرین علاج و مطابق با مقررات قانونی، به دنبال مشورت با کسانی که مشمول آن می‌شوند، اطمینان از مسکن مناسب بدیل، و با رعایت قوانین حقوق بشر بین‌المللی، صورت بگیرد.
- به جابجاکردن‌های درون کشوری که به تخلیه‌های اجباری و «تصرف زمین» ارتباط می‌یابد خاتمه دهید.

در مورد دختران و زنان

- به عنوان يك اولویت، برای اطمینان از تأمین برابری جنسیتی در آموزش، از جمله از طریق برداشتن همه هزینه‌های مستقیم و نامستقیم برای دسترسی به آموزش ابتدایی، اولویت دادن به تربیت و استخدام معلمان زن، و اطمینان از رعایت حقوق اقلیت‌ها در آموزش، اقدامات مؤثر و هدفمند با استفاده از حد اکثر امکانات را سازمان دهید. نقاطی را، از جمله سیستان و بلوچستان، که نابرابری جنسیتی در آموزش شدیدتر است شناسایی کنید و ترتیبی دهید که سریعاً منابع کافی به منظور از بین بردن همه نابرابری‌های جنسیتی در آموزش اختصاص یابد.
- برای جلوگیری از قاچاق دختران و زنان، که عمدتاً در شرق ایران صورت می‌گیرد اقدامات فوری انجام دهید، از جمله توصیه‌های گزارشگر ویژه سازمان ملل در امر خشونت علیه زنان دایر بر تصویب و اجرای عملی پروتکل پیشگیری، بازداری و مجازات قاچاق انسان، به ویژه زنان و کودکان را که مکمل میثاق سازمان ملل علیه جرایم سازمان‌یافته فرا کشوری است، به مرحله اجرا بگذارید؛ از زنان قربانی قاچاق حفاظت کنید؛ اطمینان حاصل نمایید که قاچاقچیان به لحاظ کیفری مشمول قانون شوند، و به قربانیان خسارت پرداخت کنید.
- برای پیشگیری و مبارزه با ازدواج‌های اجباری، زودهنگام و موقت، بر اساس توصیه‌های کمیته حقوق کودک، همه اقدامات لازم را به کار گیرید.

در مورد نظارت مستقل

- به عنوان يك اولویت، به تقاضاهای گزارشگر ویژه سازمان ملل در امر اعدام‌های بدون محاکمه، صحرايي یا خودسرانه، گروه کاری ناپدیدشدگان اجباری یا غیر ارادی، گزارشگر ویژه در امر

آزادی عقیده و مذهب، گزارشگر ویژه در امر شکنجه، و گزارشگر ویژه در امر استقلال قاضیان و وکیلان برای دیدار از ایران تسهیلات فراهم کنید، و دعوت از کارشناس مستقل سازمان ملل در مورد اقلیت‌ها برای دیدار از ایران، از جمله مناطق بلوچ‌نشین و سایر نقاط اقلیت‌نشین، را مورد بررسی قرار دهید.

- از سایر سازمان‌های مستقل مانند عفو بین‌الملل دعوت کنید تا از ایران، از جمله مناطق بلوچ‌نشین و سایر نقاط اقلیت‌نشین، دیدن و در مورد مسایل حقوق بشری گفتگو کنند.
- گزارش‌های موعده گذشته را به نهادهای قراردادهای سازمان ملل، از جمله گزارش‌های دوره‌ای ایران در مورد اجرای میثاق‌های بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، و امحای همه اشکال تبعیضات نژادی ارائه دهید.

به جنرال

- فوراً همه آدم‌ربایی‌ها و گروگان‌گیری‌ها را که نقض قوانین بین‌الملل بشمار می‌آید قطع کنید.
- فوراً همه اعدام‌ها، شکنجه و بدرفتاری با کسانی را که تحت کنترل گروه به سر می‌برند، قطع کنید. این عملیات نقض قوانین بین‌الملل بشمار می‌آید.
- به حملات بی‌ملاحظه و نامتناسب خاتمه دهید و از حمله علیه غیرنظامی‌ها اجتناب کنید.
- هر عضو مظنون به تعدی را از مقام و موقعیت‌هایی که ممکن است در آنها به تعدی ادامه دهد برکنار کنید.
- علناً حملات به غیر نظامیان، حملات بی‌ملاحظه، گروگان‌گیری، اعدام، شکنجه و بدرفتاری را محکوم کنید و طی دستورالعملی برای اعضا، آنان را از ارتکاب عملیاتی از این قبیل در هر شرایطی منع کنید.
- تعهد کنید که از اصول معمول قوانین بین‌المللی انسانی و حقوق بشری پیروی نمایید.

به جامعه بین‌الملل

- به مقامات ایرانی برای اجرای تعهدات بین‌المللی آن در مورد جوامع اقلیت آن فشار وارد نمایید.
- ترتیبی دهید که هر کمک و همکاری که برای مبارزه با قاچاق مواد مخدر در اختیار ایران قرار می‌گیرد در ارتکاب نقض حقوق بشر به کار گرفته نشود.

- موارد نقض حقوق بشر به وسیله جندالله یا هر گروه مسلح دیگر در ایران را صریحا محکوم کنید.
- از هر نفوذ ممکن برای فشار بر جندالله یا هر گروه مسلح دیگر که در ایران وجود دارد یا موجودیت پیدا می‌کند برای خودداری از عملیات غیر قانونی گروگان‌گیری، شکنجه یا کشتن زندانی‌ها، یا حمله به غیر نظامیان یا حملات بی‌ملاحظه یا نامتناسب، استفاده کنید و از دادن هر نوع کمک به گروه‌هایی از این قبیل که ممکن است ارتکاب اینگونه بدرفتاری‌ها را تسهیل کند خودداری نمایید.